

مجموعه سخنرانی های همایش

رسالت رسانه های گروهی در ایران ؛ دیدگاهها و چالش های بشر دوستانه

۱۷ و ۱۸ اسفندماه ۱۳۸۳

به کوشش :

کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC)

و

کمیته ملی حقوق بشردوستانه (جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران)

تهیه و تنظیم :
مجتبی مروت

ویرایش:
هاجر سیاه رستمی

فهرست مطالب :

عنوان	شماره صفحه
*مقدمه.....	۳
*حمایت از روزنامه نگاران در زمان جنگ توسط حقوق بشردوستانه بین المللی	
دکتر جمشید ممتاز	۶
*دادگاه ویژه عراق و حقوق قربانیان جنگ هشت ساله رژیم سابق عراق در ایران	
محسن بهاروند	۱۴
*تروریسم و تحولات حقوق بشردوستانه بین المللی	
دکتر اردشیر امیر ارجمند	۲۰
*خبررسانی در صحنه نبرد بر اساس حقوق بشردوستانه	
دکتر فرقانی	۲۶
*نقش رسانه ها در ترویج اصول بشردوستانه و گفتگوی تمدنها	
دکتر محمود بروجردی	۳۲
*اجرای حقوق بشردوستانه بین المللی توسط نیروهای مسلح	
تیمسار اسامه دمج	۳۵
*اجرای حقوق بشردوستانه بین المللی در ایران	
محمد طاهر کنعانی	۳۹
*نقش آموزش شبیه سازی در ترویج حقوق بشردوستانه بین المللی	
دکتر مهدی ذاکریان	۴۴
*حقوق بین المللی پناهندگان و فعالیتهای کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد	
هله انکرسون	۴۷
*جمع بندی	۴۹

نقش و اهمیت وسایل ارتباط جمعی در دنیای امروز و در تحولات جهان پیرامون ما ، تا آنجاست که عصر ما را عصر ارتباطات نامیده اند . انتقال سریع اخبار و اطلاعات به اقصی نقاط جهان و آگاهانیدن انسانها از آنچه در دنیای پیرامونشان می گذرد ، رسالتی بس بزرگ و خطیر است که بر دوش رسانه های جمعی نهاده شده است.

یکی از حوزه های بسیار مهمی که خبر رسانی در آنها از جهات مختلف حایز اهمیت بسیار می باشد ، عرصه های حوادث و سوانح ، به خصوص میادین جنگ هستند . حضور گروه های مختلف خبرنگاران در این صحنه ها و ارسال اخبار و اطلاعات لحظه به لحظه برای جهانیان ، تاثیرات گسترده و چشمگیری در ابعاد مختلف سیاسی ، اجتماعی و انسانی به همراه دارد . به نحوی که از یکسو طرفهای درگیری و اعمال و رفتار آنها را در معرض دید و قضاوت جهانیان قرار داده و آنها را وادار به کنترل اعمال خود می نماید و از سوی دیگر با تاثیرگذاری بر احساسات و عواطف انسانی و انگیزش افکار عمومی زمینه امدادرسانی به قربانیان و فشار افکار عمومی برای پایان دادن به خشونت ها را موجب می شود . حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بشر با آگاهی از این نقش مهم و تاثیر گذاری گسترده رسانه ها ، تمهیداتی را برای اجرای بهتر وظایف خبرنگاری اندیشیده اند و کلیه عوامل موثر و تصمیم گیرنده را به رعایت حقوق و حدود خبرنگاران فراخوانده اند . حال در صورتیکه انجام رسالت خبرنگاری با آگاهی از چالشها و دیدگاه های بشردوستانه صورت گیرد و توأم با آگاهی از قوانین و مقررات موجود باشد ، تأثیری به مراتب بیشتر برای مخاطبان و خبر رسانان دارد .

با آگاهی از این ضرورت ، کمیته بین المللی صلیب سرخ با همکاری کمیته ملی حقوق بشردوستانه (جمعیت هلال احمر) و وزارت امور خارجه سمیناری را با عنوان « رسالت رسانه های گروهی ، چالشها و دیدگاههای بشردوستانه » در اسفند ماه ۱۳۸۳ برگزار و از کلیه مطبوعات و شبکه های رادیویی و تلویزیونی کشور برای شرکت در آن دعوت به عمل آورد . این سمینار درنوع خود

نخستین گردهمایی با دیدگاههای بشردوستانه است که جهت آشنایی روزنامه نگاران داخل کشور، با مقوله های بشردوستانه صورت پذیرفت . در واقع این سمینار با هدف آشنایی ارباب جراید با مسائل حقوق بشردوستانه ، درج اخبار صحیح از واقعیتها ، آگاهی از حمایتهای مقرر برای خبرنگاران در حقوق بشردوستانه، نقش روزنامه نگاران در جلوگیری از نقض حقوق و اعمال مجازات علیه مرتکبین جنایات جنگی ، روشهای آموزش و ترویج و نهادهای مرتبط با حقوق بشردوستانه ، برگزار گردید.

لازم به ذکر است که در مراسم افتتاحیه جناب آقای « پیترجی اشتوکر » رئیس نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در ایران ، برای ورود به بحث مطالبی را در خصوص حقوق بشردوستانه ، روزنامه نگاران و اقدامات کمیته بین المللی صلیب سرخ^۱ مطرح نمودند . سپس جناب آقای « محمد طاهر کنعانی » رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، در ضمن ایراد مطالب خود در رابطه با نامگذاری این سمینار گفت که در حقوق بشر دوستانه تکیه بر روی ملاحظات مسلحانه است که به حالتی گفته می شود که درگیری در سرزمینی در مقابل دنیروی سازمان یافته باشد . لیکن رسالت جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ فراتر از این تعریف است چرا که در شورشها ، بحرانها ، سوانح و حوادث طبیعی بایک تفسیر موسع ، رسانه ها همگام با نهضت صلیب سرخ و هلال احمر نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند . بنابر اصول نهضت بین المللی صلیب سرخ - چنانچه در کتاب هانری دونان منعکس است - دورسالت اساسی برای نهضت صلیب سرخ و هلال احمر در نظر گرفته شده است :

۱- تشکیل جمعیتهای امدادی در داخل کشورها ۲- تصریح به اصول تخلف ناپذیر بشردوستانه برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه. این نهضت حدود ۱۳۰ سال این رسالت را بر دوش کشیده و نقش تدوین و توسعه اصول آن را کمیته بین المللی صلیب سرخ ایفا نموده است . اینک کمیته های ملی حقوق بشردوستانه در کشورهای مختلف در جهت ترویج و توسعه حقوق بشردوستانه با کمیته بین

1-International Committee of Red Cross

المللی صلیب سرخ همکاری می کنند و اقدامات مختلفی در این رابطه انجام می دهند که تشکیل جلسات و سمینارها در ارتباط با ترویج حقوق بشردوستانه ، تدوین قوانین و مقررات و الحاق به معاهدات بین المللی بشر دوستانه و سایر برنامه های مفید در کشور در این خصوص قابل ذکر است .

حمایت از روزنامه نگاران در زمان جنگ توسط حقوق بشردوستانه بین‌المللی

دکتر جمشید ممتاز^۱

در دنیای امروز پوشش دادن به اخبار جنگ نه تنها امر خطیری است بلکه یک فعالیت خطرناک به شمار می‌آید. با نگاهی آماری در مورد رفتار طرفین درگیر با روزنامه‌نگاران می‌توان گفت که گزارش‌های متعدد فدراسیون بین‌المللی روزنامه نگاران از جمله گزارش سال ۱۹۹۹ حاکی از آن است که تعداد زیاد کشته شدگان و زخمیان در صحنه نبرد روزنامه نگاران هستند به نوعی که تنها در سال ۱۹۹۹ - که سالی بسیار پر آشوب در صحنه بین‌المللی بود - حدود ۸۰ روزنامه نگار جان باختند.

بویژه حمله نیروهای ناتو به مقر رادیو و تلویزیون بلغراد بحث زیاد و اختلاف نظر شدیدی را در خصوص اینکه آیا مقر رادیو و تلویزیون غیر نظامی است یا خیر بوجود آورده است. همچنین بر اساس گزارش سال ۲۰۰۱ خبرنگاران بدون مرز، تأکید زیادی بر مسأله گروگانگیری روزنامه نگاران، تهدید و اذیت و آزار آنها شده است - روشی که در عراق امروز متداول است. با در نظر گرفتن این دو گزارش از جمله دلایل بالابودن آمار خطرات برای روزنامه نگار عوامل ذیل می‌باشد: الف) معیت و همراهی روزنامه نگار با نیروهای نظامی؛ ب) فعالیت روزنامه نگاران همواره برای نیروهای متخاصم خوشایند نیست؛ بطور نمونه گزارش نقض حقوق بشردوستانه یا رفتار غیر انسانی با غیر نظامیان توسط آنان، موجبات مسؤولیت برای دولت را فراهم می‌آورد؛ ج) روزنامه نگار تبدیل به ابرازی در جهت پیشبرد اهداف سیاسی طرفین درگیری می‌شود.

با نگاهی تاریخی به حقوق بشردوستانه پی می‌بریم که از سال ۱۹۰۷ یعنی در زمان تنظیم کنوانسیونهای لاهه مسأله حمایت از روزنامه نگاران مورد توجه تنظیم کنندگان آن سند بوده است

^۱ - دکتر جمشید ممتاز، مشاور حقوقی وزیر امور خارجه، استاد دانشگاه تهران و رئیس کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد.

که نشان از این است که حضور ناخوشایند روزنامه نگاران برای دولتها در قرن ۱۹ نیز وجود داشته است . کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و مقررات مربوط به قواعد عرفی و قواعدی که در جنگ زمینی توسط طرفین بایدرعايت شود خصوصاً در این زمینه قابل ذکر است . بطوریکه ماده ۱۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و ضمیمه آن در خصوص حمایت از روزنامه نگاران در زمان بازداشت می باشد . مسأله مهم این است که بر اساس ماده ۱۳ این سند ، روزنامه نگاری که بدست یکی از طرفین درگیر می افتد، از مزایای اسرای جنگی برخوردار است مشروط بر اینکه دارای معرفی نامه از طرف یکی از نیروهای مسلح درگیر باشد . پس از آن در ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ سندی تصویب شد که اولین کنوانسیونی است که در خصوص حمایت از اسرای جنگی است که در آن مجدداً بر این مورد تأکید دارد و سخن از مزایا و مصونیت های خبرنگاران در این کنوانسیون می شود . فلذا در حقوق بشردوستانه در دو مرحله به روزنامه نگارتوجه می شود ولیکن باید دانست که در این دو سند مهم ، هیچ اشاره ای به مزایا و حمایت های وی در زمان آزادی ، به میان نیامده و تنها زمانی را در بردارد که روزنامه نگار اسیر می شود و در زمان اسارت روزنامه نگار ، شاهد ایجاد مصونیتها و مزایایی برای وی می باشیم و او را اسیر جنگی تلقی می کنیم .

از آن زمان تا سال ۱۹۷۷ هیچگونه حمایتی از روزنامه نگاران در زمان آزادی و در زمان انجام وظایف محوله بعمل نیامده بود. البته دولت فرانسه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۰ پیشنهاد تصویب کنوانسیونی را برای حمایت از روزنامه نگاران در زمان مخاصمه ارائه می نماید که منظور از آن ، تهیه و تدوین یک سند اختصاصی در این زمینه بود . در همین سال مجمع عمومی سازمان ملل ، باتصویب قطعنامه ای ، شورای اقتصادی و اجتماعی را مأمور تهیه پیش نویس کنوانسیونی برای حمایت از روزنامه نگاران در جنگ نمود . این فعالیت کم و بیش همزمان بود با فعالیتهایی که به ابتکار کمیته بین المللی صلیب سرخ در ژنو برای تهیه پیش نویس پروتکل های ۱۹۷۷ صورت می پذیرفت ؛ نهایتاً طرح مسأله حمایت از روزنامه نگاران در پروتکل های ضمیمه

۱۹۷۷ نیز بررسی گردید . در این میان متخصصین حقوق بشردوستانه به این نتیجه رسیدند که نباید حمایت از روزنامه نگار در زمان درگیریهای مسلحانه ، موضوع یک کنوانسیون جداگانه باشد . متعاقباً مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ قطعنامه ای رابه تصویب رساند و باتأیید نظر کارشناسان حقوق بشردوستانه، موضوع حمایت از روزنامه نگاران رادر کنوانسیون جداگانه رها کرد. *یکی از علل این امر بدین خاطر بود که اگر ما ترتیبات مربوط به حمایت از روزنامه نگاران را در سندی جداگانه جستجو کنیم ، روزنامه نگاران دیگر توجهی به حقوق بشردوستانه نخواهد داشت و اشتیاقی جهت رجوع به اسناد حقوق بشردوستانه پیدا نمی کنند* ولی در صورتیکه ترتیبات حمایتی رادر کنوانسیونهای بشردوستانه منظور داریم ، روزنامه نگار به مسائل و موضوعات حقوق بشردوستانه آشنا می شود و از این رهگذر روزنامه نگار عاملی در جهت تضمین حسن اجرای حقوق بشردوستانه می شود ؛ زیرا اخبار منتشره باید حاوی نحوه عملکرد طرفین و موارد نقض حقوق بشردوستانه باشد و بر همین اساس طرفین درگیر در مخاصمه تمایلی ندارند که روزنامه نگار به عنوان شاهد، در صحنه نبرد باقی بماند .

در رابطه با پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷- که به درگیریهای مسلحانه بین المللی اختصاص داده شده است که شامل درگیریهای بین دو یا چند دولت است و در واقع ترتیبات کنوانسیونهای چهار گانه ژنو را به روز در آورده است- باید بیان داشت که در ماده ۷۹ این سند به مسأله حمایت از روزنامه نگاران و انجام وظایف محوله در زمان درگیری اختصاص داده شده است .^۱ بر اساس این ماده روزنامه نگار، در حکم یک غیر نظامی است بنحوی که در ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی به چهار کنوانسیون ژنو

^۱ - ماده ۷۹ پروتکل اول ۱۹۷۷ : « ۱) روزنامه نگارانی که در مناطق مخاصمه مسلحانه به مأموریتهای حرفه ای خطرناک اشتغال دارند ، به عنوان غیر نظامی به مفهوم مندرج در بند ۱ ماده ۵۰ قلمداد می شود . ۲) آنها باید تحت این عنوان ، به موجب کنوانسیونها و پروتکل حاضر از حمایت برخوردار شوند مشروط بر اینکه مبادرت به اقدامی که مغایر با وضعیت آنها به عنوان غیر نظامی می باشد ، نمایند و نیز بدون آنکه به حق گزارشگران جنگی وابسته به نیروهای مسلح ، برای برخورداری از وضعیت پیش بینی شده ماده ۴ کنوانسیون سوم اعطا شده است ، خدشه ای وارد شود . ۳) آنها می توانند کارت شناسایی ، شبیه نمونه ارائه شده در ضمیمه ۲ این پروتکل را ، تحصیل نمایند . این کارت که از سوی حکومت دولتی که روزنامه نگار تبعه آن است یا دولتی که روزنامه نگار در قلمرو آن اقامت دارد و یارسانه خبری که روزنامه نگار را استخدام کرده ، در آن واقع است ، صادر خواهد شد . همچنین باید وضعیت وی را به عنوان روزنامه نگار گواهی نماید . »

۱۹۴۹ به تعریفی از غیر نظامی اشاره شده است.^۱ هر چند باید دانست که ماده ۷۹ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ اشاره دارد و همانطور که گفتیم از سال ۱۹۰۷ به بعد در صورت اسارت، روزنامه نگار در حکم اسیر جنگی است. البته چنین افرادی، در صورت ارتکاب جنایات جنگی یا به دلایل امنیتی بویژه در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، نیز ممکن است اسیر یا بازداشت شوند که تا زمان محاکمه وی مصونیتها و مزایا برایش متصور است.

مسأله شناسایی روزنامه نگار در صحنه نبرد، از جمله دیگر موضوعات بحث برانگیز به هنگام برگزاری کنفرانس دیپلماتیک بوده است. پیشنهادهای نیز در خصوص شناختن و تفکیک روزنامه نگاران از سایر گروهها و افراد غیر نظامی و نظامی ارائه شده بود؛ چنانکه استفاده از بازوبند مشخص باعلامت مخصوص- دو مثلث سیاه بر روی یک زمینه نارنجی- برای این مورد در نظر گرفته شده بود؛ ولیکن تمام پیشنهادات ارائه شده برای کمک به شناسایی وی، در مشروح مذاکرات کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ همگی کنار گذاشته شد؛ زیرا اخبار ناخوشایند طرفین، به دنیای خارج منتقل می‌شود و ممکن است روزنامه نگاران مستقیماً و عمداً هدف گلوله دشمن قرار گیرند. بر همین مبنا شرطی که وجود معرفی نامه را در اسناد قبلی ضروری می‌دانست به حال خودرها گردید و بر اساس ماده ۷۹ پروتکل فوق‌الذکر این شرط، اجباری نیست.^۲ بنابراین حضور روزنامه نگار، احتیاجی به رضایت دولتهای طرف درگیر ندارد لیکن حضور خبرنگاران خارجی در سرزمین دولت دیگر، نیاز به رعایت مقررات ورود و خروج بیگانگان را دارد. علت رد شدن پیشنهادها، در خصوص اجباری بودن معرفی نامه را می‌توان در این دانست که اعطای معرفی نامه می‌تواند عامل وابستگی روزنامه نگار به

۲- ماده ۵۰ پروتکل اول ۱۹۷۷: «۱) یک غیر نظامی شخصی است که در زمره هیچ یک از طبقه بندی‌های مربوط به اشخاص اشاره شده در بندهای الف) و ۳ و ۶ از ماده ۴ کنوانسیون سوم و ماده ۴۳ پروتکل حاضر نباشد. در صورت تردید در مورد نظامی بودن یک شخص آن شخص غیر نظامی محسوب خواهد شد. ۲) سکنه غیر نظامی، متشکل از کلیه اشخاص غیر نظامی است. ۳) حضور افرادی در میان سکنه غیر نظامی که مشمول تعریف غیر نظامی نمی‌شوند، سکنه مزبور را از دارا بودن خصیصه غیر نظامی، محروم نمی‌کند.»

۱- لازم به ذکر است که در رابطه با تعریف روزنامه نگار، تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از ماده ۷۹ یک تعریف موسعی است بطوریکه روزنامه‌نگار، صرفاً کسی نیست که مقاله می‌نویسد، بصورت مکتوب ارائه می‌دهد و سپس آنرا چاپ می‌کند بلکه فیلمبردار (Cameraman) و کلیه افرادی که به وی کمک می‌کنند و به تصویر کشاندن صحنه نبرد می‌پردازند نیز در زمره این تعریف و حمایت‌های مقرر قرار می‌گیرند ولیکن سخنگوی نیروهای مسلح در هنگام ارتباط بانبروهای مسلح روزنامه نگار تلقی نمی‌شود.

نیروهای مسلح باشد لذا وی استقلال و آزادی خود را از دست می دهد و بر اساس تمایل طرف درگیر حرکت می کند . بنابر آنچه که گفتیم ، ترتیبات ۱۹۰۷ و ۱۹۲۹ درمورد روزنامه نگار- یعنی اینکه آنان در صورت بازداشت در حکم اسیر جنگی هستند و اینکه غیر نظامی محسوب می شوند- عملاً به قوت خود باقی است .

در ارتباط با پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷- که به درگیریهای مسلحانه غیر بین المللی اختصاص داده شده است - باید توجه داشت که هیچ قاعده ای رادر خصوص حمایت از روزنامه نگاران ، در مواد خود منظور ننموده است و حقوق درگیریهای مسلحانه داخلی در خصوص حمایت از روزنامه نگاران ساکت است بطوریکه مشابه ماده ۷۹ پروتکل اول ۱۹۷۷ را در درگیریهای مسلحانه داخلی نداریم ؛ حال آنکه امروزه تعداد این درگیریها به مراتب بیشتر از کشمکشهای بین المللی است و در حال حاضر تعداد آنها به ۲۰ درگیری داخلی می رسد . سؤالی که در این خصوص مطرح می شود ، این است که آیا ترتیبات ماده ۷۹ پروتکل اول قابل تسری به درگیریهای مسلحانه داخلی است یا خیر ؟ و اگر نیست چه ترتیبات قابل استفاده ای، برای حداکثر حمایت از روزنامه نگاران ، در عرصه نبرد داخلی وجود دارد ؟ ماده ۳ مکرر در کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ ، حداقل حقوقی را به افرادی که به هر دلیلی در نبرد شرکت نمی کنند یا دستگیر یا زخمی شده اند، اعطاء می نماید و عده ای معتقدند که این حداقل ترتیبات ، برای کسانی که به نحوی در صحنه جنگ داخلی فعالیت می نمایند، تعمیم داده می شود که قابل تسری به روزنامه نگاران نیز می باشد . در صورتیکه جواب مسأله را به صورت کافی درنیابیم ، متعاقباً این سؤال مطرح می شود که آیا قاعده عرفی در این خصوص شکل گرفته است که حاکی از این تسری باشد ؟ با نگاهی به دستورالعملهای نظامی و دفترچه هایی که در اختیار نظامیان قرار می گیرد، تا اینکه آنان بدانند ، در صحنه نبرد چه باید انجام دهند و چه نباید انجام دهند ، متوجه خواهیم شد که در بسیاری از این دفترچه ها ، هیچگونه تفکیکی بین روزنامه نگاران حاضر در صحنه بین المللی و روزنامه نگاران حاضر در صحنه غیر بین المللی ،

وجود ندارد. در حدود ۳۰ دولت، با تهیه و توزیع این دفترچه ها، هیچ تمایزی را بین این دو حوزه قائل نشده اند و رفتار با هر دو را یکسان انگاشته اند که خود، نشان از عملکرد^۱ دولتهاست. همچنین رأی دیوان قانون اساسی روسیه، در ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۵ که حاکی از عملکرد دولت روسیه است و در خصوص جنگهای اول چچن است، قابل ذکر می باشد؛ در طول این جنگها تعدادی از روزنامه نگاران، مورد اذیت و آزار دولت روسیه قرار گرفتند، حال آنکه تعدادی از آنان تبعه روسیه بودند.

این تعداد روزنامه نگار، به دادگاههای روسیه رجوع می کنند که منجر به رأی دیوان قانون اساسی روسیه می شود. این رأی نیز، تعهدات روسیه در مورد درگیریهای مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی را یکسان می داند. علاوه بر آن، جنگهای یوگسلاوی و نبرد میان مسلمانان بوسنی و هرزگوین و صربها و توافقات میان آنان، حکایت از آن دارد که طرفین درگیر آمادگی آن را داشتند که حمایتهای منظور شده در حقوق بین الملل را برای روزنامه نگاران در نظر گیرند. بنابر مطالب فوق، باید گفت که ایده جدیدی شکل گرفته است که بر اساس آن فرقی میان صحنه بین المللی و عرصه غیر بین المللی برای حمایت از روزنامه نگار وجود ندارد.

در کنار رویه و عملکرد دولتها، می توان به نهادهای سازمان ملل متحد نیز اشاره نمود؛ مجمع عمومی در ۹ دسامبر ۱۹۹۸ قطعنامه ای را با کنسانسوس به تصویب رساند و در آن، مسأله رفتار نیروهای صربستان را با روزنامه نگارانی که در کوزوو حضور داشتند، مورد توجه قرارداد و با اتفاق آراء از نیروهای آلبانی تبار و مقامات رسمی دولت یوگسلاوی می خواهد، از اذیت و آزار و ارباب روزنامه نگاران حاضر در کوزوو، خودداری کنند. علاوه بر ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی از طرفین درگیر در افغانستان می خواهد که راه را برای ورود آزاد خبرنگاران در صحنه نبرد، هموار نماید و آنها را اذیت و آزار ننمایند. کمیسیون حقوق بشر نیز با صدور قطعنامه های متعدد در چندین نوبت، از جمله در درگیری سومالی و بروندي، محکومیت اعمال مغایر با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نسبت به روزنامه نگاران را خواستار می شود.

یونسکو نیز در قطعنامه^{۱۲} نوامبر ۱۹۹۷ که به اتفاق آراء تصویب نمود، اعمال خشونت‌آمیز علیه روزنامه نگاران را « جنایت علیه اجتماع»^۱ تلقی می‌کند. در حالیکه ما نیازی به ابداع چنین مفهوم جدیدی نداریم؛ زیرا بسیاری از موارد خشونت و مصادیق آن، مانند گروگانگیری، در حقوق مخاصمات مسلحانه « جنایت جنگی»^۲ تلقی شده اند. البته در حوزه غیربین المللی، هر چند جنایات جنگی وجود ندارد ولیکن از طریق «عرف» به این نتیجه می‌رسیم که نقض ترتیبات مهم حقوق بشر دوستانه جنایت جنگی است و به دنبال آن بحث صلاحیت جهانی بوجود می‌آید بطوریکه مرتکبین در هر سرزمین که یافت گردند، یا باید محاکمه شوند یا مسترد گردند؛ بطور نمونه در عراق، گروگانگیری روزنامه نگاران، در حکم جنایت جنگی است و نقض فاحش حقوق بشردوستانه قلمداد می‌شود. مرتکبین این اعمال در صورتی که در سرزمین دیگری یافت گردند، بر اساس صلاحیت جهانی، یا باید محاکمه شوند یا تحویل دولت متبوع، یا دولت ذینفع گردند.

در پایان باید اضافه کرد که روزنامه نگار، در درگیریهای مسلحانه یک رسالت بزرگ بر دوش دارد و آن اطلاع رسانی است که اگر توأم با شناخت حقوق بشردوستانه باشد، یک عامل و یک ابزار حقوقی در جهت تضمین حسن اجرای حقوق بشردوستانه است. لازمه این اطلاع رسانی صحیح و مبتنی بر شناخت، این است که روزنامه نگار، اطلاعات کافی در خصوص حقوق بشردوستانه داشته باشد.

1-Crime Against Society

2-War Crime

دادگاه ویژه عراق و حقوق قربانیان جنگ هشت‌ساله رژیم سابق عراق در ایران

محسن بهاروند^۱

در اینجا ابتدا به اطلاع رسانی اقدامات جمهوری اسلامی ایران، در مورد اقداماتی که علیه عراق صورت گرفته است می پردازیم: قبل از هر چیز باید بگوئیم در ایران از سوی نهادها و ارگانهای مختلفی مانند قوه قضائیه، وزارت امور خارجه و نیروهای مسلح، اظهار نظرهای مختلفی باتوجه به حیطة کاری آنها در خصوص تشکیل دادگاه و مواضع ایران صورت گرفته است. درجنگ عراق علیه ایران، کلکسیونى از جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت بر ضد نظامیان و غیر نظامیان ایرانی وجود دارد. ایران اولین کشوری بود که خواستار محاکمه صدام در طول جنگ عراق علیه ایران بود و بیش از ۲۰ سال پیش، جمهوری اسلامی ایران این مسأله را بیان می نمود و حال آنکه جامعه جهانی در آن زمان توجهی ننمود و در بسیاری از موارد، بطور یک جانبه برخورد کرد. چرا که اگر به این موضوع جدی تر نگریسته می شد بسیاری از اتفاقات بعدی پدیدار نمی گشت. پس از آتش بس جنگ ایران و عراق، بروز مسائل کویت و سپس اشغال عراق، ایران سعی کرد تا حد امکان، مواضعی را در خصوص محاکمه صدام اعلام دارد. متعاقباً اساسنامه دادگاه عراق تهیه گردید ولی خود دادگاه هنوز بطور کامل بوجود نیامده است.

در این میان، فعالیتهایی در وزارت امور خارجه و قوه قضائیه صورت گرفت و تلاش شد تا لایحه ای بر اساس اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران تهیه و تنظیم گردد. این لایحه از زمانی که عراق به ایران حمله کرد و شروع به ارتکاب جنایات جنگی نمود؛ جرائمی از قبیل تخریب اماکن عمومی و غیر نظامی، غارت اموال، کشتار غیر نظامیان، کوچهای اجباری، تجاوز به عنف و ... رادر بر می گیرد و در اواسط جنگ، حمله عراق به اماکن غیر نظامی،

۱- محسن بهاروند، مدیر بخش حقوقی وزارت امور خارجه.

مجروحین ، بیمارستانها ، آثار باستانی ، مساجد و ... را نیز در بر دارد و حتی در یک مقطع ، به استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی که به عنوان جنایات جنگی و ایجاد درد و رنج غیر ضروری بین نظامیان و کشتار آنان قلمداد می شود ، می رسیم که همگی در لایحه ایران به عنوان جنایات صدام و همدستانش مذکور افتاده است . در این خصوص باید گفت که این لایحه هنوز به مرجعی تسلیم نشده است و درخواستی از طرف دولت عراق ، مبنی بر ارائه اطلاعات، دریافت نگریده است زیرا تفهیم اتهامی که به صدام شد ، در مورد جنایات داخل عراق و اساس آن قوانین داخلی آن کشور بود و در مورد کویت هم به این دلیل که در قانون داخلی عراق حمله به یک کشور عربی جرم تلقی گردیده بود، اتهاماتی متوجه وی شده بود . لذا بُعد بین المللی که دادگاه باید داشته باشد ، هنوز تکمیل نگردیده و آئین دادرسی محکمه ، هنوز تعیین نشده است و تنها ، اساسنامه ای از آن دادگاه وجود دارد . در حقوق بین الملل، صلاحیت بین المللی یک صلاحیت تکمیلی و اضافی است و ابتدائاً باید صلاحیت اصلی کشور محاکمه کننده ، وجود داشته باشد. اگر دولت عراق به هر دلیلی دست به محاکمه صدام و همدستانش نزنند ، باید وی را تحویل دولت ذینفع دهد . ما بدلیل عدم وجود اطمینان از وجود دادرسی عادلانه ، برای جرائمی که برای ما اتفاق افتاده بود، در ایران سعی کردیم که پس از روی کار آمدن دولت عراق اقدامات لازم را انجام دهیم بر همین مبنا لایحه موصوف هنوز در ایران است و تحویل به ارگانی نشده است و در زمان مقتضی به مرجع ذیربط ، اسناد جمع آوری شده ارائه می گردند .

با نگاهی به اساسنامه دادگاه پی می بریم که این دادگاه ، تضمینات کافی در مورد رسیدگی بیطرفانه ارائه نمی دهند و باید در جمع آوری ادله از افراد و سازمانهای بیطرف استفاده بیشتری شود بطوریکه دادگاه، یک محکمه تشریفاتی و ظاهری نباشد، بنابراین ما هنوز این اطمینان را حاصل ننموده ایم و ابتدائاً باید این تضمینات داده شوند تا

گام بعدی را برداریم . البته به احتمال زیاد به زودی قوانین داخلی عراق به تصویب می رسند که احتمال راه اندازی دادگاه عراق را بیشتر می کنند .

اما بحث اصلی در اینجا بیشتر بر روی قربانیان این جنایت است . در حقوق بین الملل در مورد محاکمه افرادی که ظن قوی دال بر ارتکاب جنایات جنگی علیه آنان وجود دارد، ما با یک الزام مواجهیم نه یک انتخاب ، بطوریکه هر چند در ابتدا ، ما در مورد دزدی دریایی و برده داری مواجه با انتخاب کشورها و اختیار آنها در محاکمه مرتکبین آنها بودیم ولی بطور خاص پس از تشکیل دادگاه نورنبرگ به بعد و یا تشکیل دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا و متعاقباً دیوان بین المللی کیفری، این الزام به چشم می خورد چنانچه عدم مجازات، نقض حقوق بین الملل است . در این بحث نیز برای دولت عراق، یک الزام حقوقی بر محاکمه و احقاق حقوق وجود دارد ؛ عدم رسیدگی دولت عراق یا رسیدگی تشریفاتی، به معنای تبرئه صدام و همدستانش نیست بلکه محاکم عراق صلاحیت خود را در رسیدگی به این جرائم از دست می دهند و صلاحیت برای دولت ذینفع ماندن ایران بوجود می آید . موضوعی که در این میان حائز اهمیت است آن است که حقوق بشردوستانه، بیشتر تعهدات و تکالیف دولتها را مشخص می کند نه حقوق قربانیان را، به عبارت دیگر دولت باید محاکمه کند یا مسترد بدارد و قواعد بشردوستانه رادر خلال جنگ رعایت نماید و لیکن حقوق بشردوستانه کمتر به قربانیان توجه دارد و بخصوص در مورد دعاوی حقوقی آنها، کمتر مقرراتی رادربر دارد و علاوه بر آن جبران خسارت نیز، کمتر شامل حال قربانیان می شود . در مواد پروتکل اول ۱۹۷۷ بیشتر جبران خسارت دولتها و مسؤولیت آنها مطرح می شود و کمترین سمت حقوق افراد، حرکت شده است . دولتها متعهد شده اند که افراد مظنون به نقض حقوق بشردوستانه را محاکمه کنند و علاوه بر آن بر اساس کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های آن، باید جبران خسارت نمایند ولی در مورد قربانیان باید گفت که توجه زیادی به آنان نشده است ؛ لیکن با ارتباط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

می توان تا حدی به حل قضیه کمک نمود؛ بدین نحو که گرچه در یک تفسیر کلی و موسع، می توان جبران خسارت را شامل افراد نیز دانست ولی باید بدانیم که این تنها یک تفسیر است و چندان که باید و شاید، به قربانیان توجهی نمی شود. فلذا برای پاسخ به اینکه چگونه می توانیم خسارت افراد را هم جبران کنیم می توانیم این سؤال را مطرح کنیم که آیا دولت متبوع جنایتکاران جنگی، مسؤول جبران خسارت افراد هم هست یا خیر؟ باید در نظر داشت که کیفر می تواند هدفمند باشد مثلاً برای انتقام گیری باشد یا برای عدم تکرار و عبرت دیگران ولی افراد متضرر از جرم چه باید بکنند چرا که تنها با کیفر جبران خسارت نمی شود. من معتقدم جبران خسارت باید از افراد هم باشد ولی اساس و مبنای آن حقوق بشر است.

با ایجاد رابطه میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، در درک این مفهوم به نتایجی می‌رسیم. بطور نمونه کنوانسیون منع شکنجه بند ۱ ماده ۱۴ در مورد قربانیان شکنجه، دولت را ملزم می‌کند که غرامت کافی و راضی کننده به قربانیان بپردازد.^۱ همچنین در ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، از «جبران موثر»^۲ سخن به میان آمده است. بعلاوه در رأی دیوان بین المللی دادگستری در خصوص دیوار حائل، در رأی مشورتی ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ به این ارتباط و تعامل میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اشاره شده است. علاوه بر این اسناد، در بند ۳ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز این مطالب تکرار شده است و سخن از جبران موثر و عادلانه است.

علیهذا عراق به عنوان کشور متبوع جنایتکاران جنگی و جنایتکاران علیه بشریت، چه بر اساس حقوق بشر و چه بر اساس حقوق بشردوستانه، باید این امکانات را در دسترس افراد متضرر قرار دهد و پس از رسیدگی به شکایات آنها، به جبران خسارت از آنان همت گمارد که تا زمان برقراری

^۱ - بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا موهن: «۱- هر یک از دولتهای عضو باید اطمینان حاصل نمایند که در سیستم حقوقی موجود، قربانی شکنجه به جبران خسارت دست خواهد یافت و حقی قابل اعمال بر خسارتی مناسب و عادلانه، از جمله تا حد ممکن اسباب بازپروری کامل، خواهد داشت. در صورت فوت قربانی در اثر یکی از اعمال شکنجه، بستگان وی حق دریافت خسارت را خواهند داشت.»
2-Effective Remedy

صلح و آرامش کامل در عراق ، این مهم میسر نمی‌شود . چنانکه دبیر کل ملل متحد در گزارش خود به شورای امنیت اشاره نموده است صلح ، دموکراسی و عدالت با هم ،جامعه ای را در ثبات و آرامش نگه می دارند و قابل تفکیک از یکدیگر نمی باشند . بنابر آنچه گفتیم بر اساس حقوق بشردوستانه یعنی کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی اول، دولت عراق موظف است که صدام و همدستانش را نه در لیست ۵۵ نفری امریکا بلکه علاوه بر آنها افرادی را که در ارتکابات جنایات دست داشته اند، محاکمه کند ؛ دولت عراق بر طبق حقوق بشردوستانه، موظف است خسارات ناشی از این جنایات را جبران کند و در مورد افراد قربانی دولت عراق بر طبق موازین حقوق بشری ، موظف است که دستگاه قضایی بی طرف را در اختیار این افراد بگذارد.

وزارت امور خارجه و بعضی دیگر از نهادهای ایران ،این دادگاه را پی گیری می کنند و اسناد ومدارک کافی را جمع آوری تا به موقع از آنها استفاده نمایند . دراین راه هیچگونه مصالحه و سازش وجود ندارد و در صورت عدم پیگیری ، نقض حقوق بین الملل صورت گرفته است .

تروریسم و تحولات حقوق بشردوستانه بین المللی

دکتر اردشیر امیرارجمند^۱

اساساً باید دانست که حقوق بشردوستانه و تروریسم در چه وضعیتی هستند و توسعه حقوق بشردوستانه چه امکانی را برای برخورد با تروریسم فراهم می کند؟ در اینجا تلاش می شود با ذکر سؤالاتی به دنبال یافتن پاسخی برای آنها باشیم: اینکه حقوق بین الملل بشردوستانه در مورد تروریسم چه می گوید؟ و آیا به صورت خاص به تروریسم اشاره نموده است؟ آیا جنگ علیه تروریسم یک مخاصمه مسلحانه است؟ چه حقوقی نسبت به افرادی که در چار چوب مبارزه علیه تروریسم دستگیر شده اند، قابل اعمال است؟ نقش صلیب سرخ، در خصوص افرادی که در ارتباط با تروریسم دستگیر شده اند چیست؟ اینک به تشریح و پاسخگویی به سؤالات فوق الذکر می پردازیم:

در مورد اینکه حقوق بشردوستانه در مورد تروریسم چه می گوید باید بیان داشت که حقوق بین الملل بشردوستانه شاخه ای از حقوق بین الملل است و در هنگامی که بکارگیری خشونت به سطح مخاصمه مسلحانه، اعم از بین المللی یا غیر بین المللی، ارتقاء می یابد، قابل اعمال است. لذا اعمال حقوق بین الملل بشردوستانه در زمانی است که بکارگیری خشونت به سطح مخاصمه مسلحانه می رسد. اسناد حقوق بشردوستانه، هدفشان تخفیف درد و رنج و آلام انسانها در زمان جنگ است. حقوق جنگ یا حقوق بین الملل بشردوستانه، هیچگونه تعریفی از تروریسم ارائه نمی دهد. آخرین سند در خصوص تعریف تروریسم، توسط سازمان ملل متحد در رابطه با تجدید ساختار سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ منتشر گردیده که قسمتی از آن در مورد اعمال و کاربرد زور است و بخشی از آن در

۱- دکتر اردشیر امیر ارجمند، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و رئیس کرسی یونسکو برای صلح، دموکراسی و حقوق بشر (دانشگاه شهید بهشتی).
۱- پس از ممنوعیت رسمی جنگ در اسناد بین المللی تا دهه هشتاد، تقریباً حقوقدانان واژه حقوق جنگ را بکار نبردند و واژه حقوق مخاصمات مسلحانه را استفاده نمودند. از دهه ۸۰ در بسیاری از مخاصمات سطح خشونت به حدی بود که بطور مادی جنگ واقع می شد. از آن به بعد دوباره حقوق جنگ بکار گرفته شد.

مورد تعریف تروریسم می باشد . در این سند بیان گردیده است که تعریف تروریسم با دومشکل مواجه است .

الف) عده ای این استدلال را مطرح میکنند که وقتی بخواهیم تروریسم را تعریف کنیم، بکارگیری زور در مقابل اشخاص غیر نظامی است . در واقع در اینجا این بحث است که هنگامی که دولت از زور استفاده می کند اینکه آیا خود مرتکب تروریسم می شود یا خیر، بحث ظریفی را می طلبد و بنابراین، تعریف از تروریسم، باید جامع و مانع باشد .

ب) مردمی که تحت سلطه متجاوز خارجی یا در وضعیت اشغال هستند، برای خود حق مقاومت و دفاع می شناسند . آنها از این خوف دارند که مقاومت آنها، تروریسم تلقی شود ؛ مثلاً نهضت‌های آزادیبخش یا مردمی که تحت استعمار خارجی قرار دارند و یا بحث فلسطین و اسرائیل . در اینجا جدال بین تروریسم و دفاع است . گفتمان دهه ۶۰ و ۷۰ به نوعی به بحث دفاع و تروریسم بر می گشت . البته تعرض به غیر نظامیان و نقض حقوق آنها ، در هیچ سندی موجه نیست زیرا نه دولت می تواند از زور برای سرکوبی غیرنظامیان استفاده کند و نه هیچ گروهی می تواند به کشتار غیر نظامیان تن در دهد .

در هر صورت این سند چندراهنمایی عملی را در تعریف بیان می کند : اولاً باید یک تعریف کاملاً مشخص از تروریسم ارائه شود «پاراگراف ۱۶۳» . حال آنکه قبل از آن، صحبت از وجود موافقان و مخالفان بود ولی هم اکنون سخن از تعریف واحد درحوزه تروریسم است که باید در چند مورد اساسی ذیل، در یک سند جهانی تعریف و تشریح گردد :

الف) باید در مقدمه سند، بکارگیری زور توسط دولتها علیه افراد سیویل یا کشوری^۱، یادآوری شود و این ممنوعیت را باید یادآور شد که بکارگیری خشونت اگر از حدی فراتر رود، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی تلقی می شود .

۱- در حقوق بشردوستانه دو اصطلاح افراد سیویل یا کشوری « Civil » با غیر نظامیان « Non-Combatant » متفاوتند و در فارسی ترجمه دقیقی وجود ندارد

ب) باید تأیید شود که ۱۲ کنوانسیون قبلی، همگی شامل تروریسم می شوند و تعریف مذکور در بردارنده تمام آنهاست .

ج) باید گفته شود که تروریسم یک «جنایت بین المللی» است و تأکید شود که تروریسم در خلال مخاصمات مسلحانه، ممنوع است؛ بطوریکه در کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل های آن آمده است و همچنین به تعریفی که در کنوانسیون ۱۹۹۹ برای مقابله با تأمین منابع مالی تروریسم است و نیز قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت، باید اشاره شود . در بند دال سعی می شود که به تعریفی از تروریسم پرداخته شود .

د) «هر عملی، جدای از مواردی که در ۱۲ کنوانسیون قبلی بدانها اشارت رفته است که با نیت کشتار، مرگ یا ایجاد زخمهای شدید به افراد سیویل باشد و هدف آن ایجاد خوف و ترس در مردم یا جماعتی و یا اجبار دولت یا یک سازمان بین المللی برای انجام فعل یا ترک فعل باشد تروریسم نام دارد» بنابراین اعمالی که موضوع معاهدات ۱۲ گانه قبلی بوده است بعلاوه اعمال جدید، با هدف کشتار، ایجاد خوف و ترس در مردم یا سازمان یا حکومت برای انجام یا عدم انجام کاری، موضوع تروریسم قرار می گیرد . این تعریف به احتمال زیاد وارد ادبیات حقوق بین الملل خواهد گردید .

بموجب اصول حقوق بشردوستانه، طرفین مخاصمه همواره باید «اصل تمایز بین رزمندگان و غیر نظامیان» را رعایت کنند . اصل تفکیک و تمایز که یکی از پایه های حقوق بشردوستانه است و جنبه عرفی دارد، اصولی رادر بر می گیرد که هدفش حمایت از افراد کشوری است مثل قاعده ممنوعیت حمله آگاهانه و مستقیم به افراد سیویل و اموال آنان یا ممنوعیت حمله بدون تفکیک نسبت به یک محل استفاده از سپر انسانی . بنابراین در مخاصمات مسلحانه بکارگیری ارادی خشونت علیه اشخاص سیویل یا اموال آنها، هیچ مفهوم حقوقی ندارد؛ چرا که چنین اعمالی اساساً قبلاً «جنایت

جنگی» تلقی شده است و بموجب اصل صلاحیت جهانی، متهمین به ارتکاب جنایات جنگی نه تنها توسط دولت خودشان بلکه توسط دولتهای دیگر قابل تعقیبند .

آیا حقوق بین الملل بشردوستانه بطور خاص از تروریسم یاد می کند و آنرا ممنوع می کند ؟
بله حقوق بشردوستانه بطور خاص تروریسم را ممنوع می کند چرا که تحت عنوان « تدابیر تروریستی^۱ » بیان گردیده است و ممنوع اعلام شده است . ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹، پروتکل اول ۱۹۷۷ در ماده ۵۱ و پروتکل دوم ۱۹۷۷ در ماده ۱۳ بطور خاص آن را ممنوع می کنند .^۲ این مواد مؤلفه های اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه است که به نحوه رفتار در مخاصمات مسلحانه مربوط می شود . یعنی نحوه رفتار عملکرد طرفین درگیر در جنگ مانند اینکه اگر ما به یک هدف نظامی که در حقوق بشردوستانه ممنوع نیست، حمله کنیم ولیکن هدف آن ایجاد رعب و ترس در میان مردم عادی باشد ، عمل ممنوع است و این نکته ای است که خبرنگاران خصوصاً باید به آن توجه کنند ، مثل اعلام قبلی بمباران شهری توسط دولت ؛ که این عمل بر خلاف حقوق بشردوستانه است .

در ارتباط با اینکه آیا جنگ علیه تروریسم مخاصمه مسلحانه است یا خیر؟ باید بیان داشت که حقوق بین الملل بشردوستانه تنها در زمان مخاصمات مسلحانه قابل اعمال است . یکی از بنیادهای مفهوم مخاصمات مسلحانه ، طرفین هستند . در یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی طرفین می توانند یک دولت و یک گروه نظامی مثل گروههای شورشی و حتی ممکن است دو گروه نظامی باشند و دولت مداخله ای نداشته باشد ؛ و این در حالی است که طرف های درگیر در مناقشه مشخصات خاص خود را داشته باشند ، مانند سازماندهی ، علامت و پرچم و حمل سلاح بصورت آشکار . نکته مهم «اصل برابری» طرفین در قبال حقوق بین الملل بشردوستانه است که از اصول حقوق

1-Terrorism Act

۲- ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹: «هیچ شخص مورد حمایت را نمی توان برای خلاقی که شخصاً مرتکب نشده باشد، تنبیه کرد و تنبیهات دسته جمعی و همچنین هر گونه عمل تخویف یا تروریسم ممنوع است ۰۰۰»
ماده ۵۱ پروتکل اول ۱۹۷۷: «۲۰۰۰- سکته غیر نظامی فی نفسه و نیز افراد غیر نظامی، نباید آماج هدف حمله قرار گیرند . اعمال تهدیدهای خشونت آمیزی که منظور اصلی آن ایجاد وحشت در بین سکته غیر نظامی باشد ممنوع است ۰۰۰»
ماده ۱۳ پروتکل دوم ۱۹۷۷: «۲۰۰۰- جمعیت غیر نظامی منفرداً یا مجتمعاً نباید مورد هدف واقع شوند . اعمال و تهدیدات خشونت آمیزی که هدف اولیه آنها گسترش ترور و خشونت در میان جمعیت غیر نظامی است ، ممنوع است ۰۰۰»

مخاصمات مسحانه است . یعنی طرفین در مقابل قانون برابرند چنانچه متجاوز و غیرمتجاوز ، دولت و گروه مسلح ، گناهکار و غیر گناهکار و حتی دو گروه مسلح ، یکسانند و حقوق نسبت به هر دو اعمال می شود . در واقع در حقوق بشر دوستانه، بحث مشروعیت طرف های درگیر ملاک نیست ولیکن در یک سرکوبی که توسط دولت صورت میگیرد، بحث مشروعیت مهم است و دو گروه برابر نیستند و حقوق بشر دوستانه وجود ندارد . بطور کلی می توانیم دو وضعیت جنگ یا صلح ، را در حالت کلی تصور کنیم . در وضعیت صلح ، حقوق بشر و در وضعیت مخاصمه مسلحانه ، حقوق بشر دوستانه اعمال می شود. آیا می توانیم وضعیتی را تصور کنیم که نه جنگ باشد و نه صلح یا هم جنگ باشد و هم صلح ؟ که این تمام بحث تروریسم است . مثلاً پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا معتقد بود که جنگ افغانستان، جنگ علیه تروریسم است ولی سلاحها و کیفیت جنگ ، عملاً جنگ را بوجود آورد و تعریف مادی جنگ- یعنی کوانتوم و وسعت سلاح ، عملاً وجود داشت . اصولاً مبارزه با تروریسم ، اگر شامل تعریف مادی جنگ باشد ، وسعت بکارگیری سلاحها، نوع ، موضوع و هدف آنان به گونه ای باشد که عملاً جنگی اتفاق افتد، حقوق بشر دوستانه اعمال می شود. در اینجا هدف این حقوق ، تخفیف آلام و تعدیل خشونت هاست ولی در صورتیکه مبارزه با تروریسم شامل تعریف مادی جنگ نشود، حقوق بشر اعمال می شود. زیرا مقررات حقوق بشر در زمان جنگ کاربرد ندارند و اساساً حقوق بشر با خشونت مخالف است .

در مورد این سؤال که وضعیت اسیرانی که در درگیری با تروریسم دستگیر شده اند چیست؟ باید بیان داشت که اگر در وضعیتی مانند افغانستان قرار بگیریم، باید افراد دستگیر شده را از ضمانتهای حقوق بین الملل بشردوستانه برخوردار بدانیم . اما اگر در غیر این صورت باشد ، بنظر می رسد که حقوق بشر حاکم است و از ضمانتهای حقوق بشر در مورد دادرسی عادلانه ، ممنوعیت شکنجه و ... برخوردار می شوند . مضافاً به اینکه جامعه جهانی پذیرفته است که کمیته بین المللی صلیب سرخ، می تواند نقش یک رابط مؤثر و سازنده را ایفا نماید .

بنابراین اگر ما تعریف از تروریسم داشته باشیم، موجب توسعه حقوق بین الملل بشردوستانه می شود و مسأله اعمال حقوق بشردوستانه روشن تر می شود. باید نقش رسمی صلیب سرخ جهانی، در مواردی که مخاصمه مسلحانه نیست ولی به هر حال امکان نقض حقوق اشخاص وجود دارد و مربوط به نوعی خشونت نظامی بوده را بپذیریم؛ علاوه می توانیم یک نقش رابط و واسطه برای کمیته قائل شویم ولی باید بدانیم که حقوق بشردوستانه نیست.

خبررسانی در صحنه نبرد بر اساس حقوق بشردوستانه

دکتر فرقانی^۱

قبل از هر چیز باید، جایگاه حقوق بشردوستانه در رویه های حرفه ای روزنامه نگاری در معنای عام و تکنولوژیهای جدید رسانه ای که خود موضوعی جدید برای کمیته های ملی حقوق بشردوستانه است، مورد بررسی قرار گیرد. اینکه چگونه می توان به روزنامه نگار آموزش داد یا مسائل رابه وی منتقل نمود یا چگونه می توان با نویسندگان صدها هزار وبلاگ فارسی توصیه کرد یا مورد تعلیم قرارداد، خود مسأله ای قابل تأمل است. باتوسعه ارتباطات و تکنیکها و وسایل ارتباط جمعی و تحول رسانه ای، هنگامی که سخن از نقش و جایگاه روزنامه نگاران در بسط حقوق بشردوستانه است، باید چند مورد را مورد بررسی قرارداد، از جمله اینکه حقوق خود روزنامه نگاران، در مناطق و شرایط پرمخاطره چیست؟ بطور کلی آنان داخل در حوزه حقوق بشردوستانه هستند و حقوق، جان و آزادی عمل آنان باید ابتدائاً در جنگها مصون باشد. تا وقتی نتوانیم روزنامه نگاران فعال داشته باشیم، نمی توانیم نقض حقوق بشردوستانه را بیان کنیم. پس گام اول تضمین امنیت حرفه ای و فراهم آوردن شرایطی است که روزنامه نگاران در شرایط پر مخاطره، وظایف خود را که جمع آوری، انتقال و انتشار اطلاعات است، به نحو احسن انجام دهند و طرفین درگیر نیز آنها را به رسمیت شناسند؛ همچنانکه اعضای صلیب سرخ و هلال احمر، باید تضمین ها و مصونیت های لازم را داشته باشند. مجمع عمومی سازمان ملل پس از جنگ جهانی دوم به دنبال تشکیل کنفرانس جهانی آزادی اطلاعات ۱۹۴۸ در ژنو، عهدنامه هایی را تهیه نمود که یکی مربوط به جریان آزاد اطلاعات بود و دیگری مربوط به انتقال بین المللی اطلاعات که به دلایل مختلف به تصویب نرسید و معوق ماند. تنه احمایت بین المللی از روزنامه نگاران در سطح جهانی، پیش بینی هایی است که در زمینه حمایت از امنیت جانی نمایندگان خبری در جریان مأموریت های خطرناک، صورت پذیرفته است. چنانکه در ماده ۸۱ عهدنامه ۱۹۲۹ ژنو بیان

۱- دکتر فرقانی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

گردیده است: «افرادی که نبردهای نظامی را دنبال می‌کنند بدون آنکه عضویت آنها را داشته باشند، مانند خبرنگاران جنگی و نمایندگان خبری، در صورتی که به دست نیروهای دشمن بیفتند، از حق رفتار با اسرای جنگی برخوردارند، مشروط بر اینکه گواهی معتبر از نیروهای نظامی که در معیت آنان هستند را داشته باشند.» همچنین براساس بند ۱ ماده ۷۹ پروتکل اول «روزنامه نگارانی که در مناطق مخاصمه مسلحانه به مأموریت‌های حرفه ای خطرناک اشتغال دارند، به عنوان غیر نظامی به مفهوم مندرج در بند ۱ ماده ۵۰ قلمداد می‌شوند» در سطح منطقه ای نیز در اروپا، توصیه نامه وزیران شورای اروپا به چشم می‌خورد که بر اساس آن آزادی رسانه ها و اعمال آزاد و بدون مانع حرفه روزنامه نگاری، از عناصر اساسی یک جامعه دموکراتیک است که در وضعیت خاص مخاصمات نیز، این آزادیها باید محترم شمرده شود و لذا در چنین شرایطی، روزنامه نگاران اغلب خود را در معرض مخاطره می‌بینند و به سلامتی جسمی آنان (و چه بسا سلامتی روحی آنان) خدشه وارد می‌شود. بنابراین از دولتهای عضو شورای اروپا که در وضعیت های خاص مناقشات فعالیت می‌کنند، دعوت می‌شود اقدامات لازم را از طریق آموزش ویژه اطلاع رسانی عملی، از طریق ایجاد نظام بیمه گذاری، تهیه و تدارکات لوازم، پشتیبانی نیروهای نظامی و انتظامی بعمل آورند و حمایت‌های ضروری و منطقی را لحاظ دارند. بنابراین لازمه حضور این روزنامه نگاران در جبهه اعمال حقوق بشردوستانه است.

از سوی دیگر رویدادها تا وقتی که رسانه ای نشده اند، تأثیرات محدود خود را دارند، بطوریکه فضا و شرایط متفاوت خواهد بود. ولی در صورتیکه رویدادی رسانه ای شد و در مطبوعات و رادیو و تلویزیون منعکس شد، شکل عرضه، تأثیر، واکنشها و تلقیات نیز متفاوت می‌شود. بطور مثال در جنگ عراق و آمریکا، شکنجه عراقیان توسط نیروهای متحد و اذیت و آزار زندانیان، انعکاس وسیعی یافت و عرصه را برای کتمان مسأله تنگ کرد و چه بسا اگر معلوم نمی‌شد، اتفاقی نمی‌افتاد و فردی پاسخگو نبود. امروز در سطح ملی نیز این امر صادق است. امروز حتی یک محاکمه، تحت نظارت رسانه ها

است و این نقش اصلی را رسانه ها ایفا می کنند . دست اندرکاران و نهادهای ذیربط در حقوق بشردوستانه، باید به دنبال تمهیداتی باشند که حضور فعال و آزادی فعال روزنامه نگاران را در عرصه های نبرد تأمین کنند؛ بطوریکه روزنامه نگاران شاید از اعضای صلیب سرخ و هلال احمر در پیشبرد حقوق بشردوستانه، پیشگام تر باشند . رسانه ها هم می توانند مشروعیت زایی کنند و هم مشروعیت زدایی؛ آنان باید چهره واقعی متخلفان حقوق بشردوستانه را به افکار عمومی بشناسانند . هیچ دولتی نمی تواند به بهانه حفظ حقوق بشر و دموکراسی به منطقه ای برود و حقوق اولیه غیر نظامیان را سلب کند . در صورتیکه این اتفاقات بوجود آید، عملیات نظامی بویژه در جنگهای تجاوزکارانه، فاقد مشروعیت می شوند و فشار بین المللی باعث وخامت اوضاع می گردد. فلذا نقش رسانه ها در پیشبرد حقوق بشردوستانه، نقش یگانه و منحصر به فردی است که چندپیش شرط دارد : مقدمتاً باید گفت که هر جنگی یک متن و یک حاشیه دارد . متن جنگ ، درگیریهایی میان نظامیان ، بمباران ها و بطور کلی از طریق عملیات نظامی مستقیم است و در حوزه طرفهای نظامی درگیر است حال آنکه حاشیه جنگ، وضعیت حقوق بشردوستانه است مثل وضعیت آوارگان ، افراد کشوری، تسلیم شدگان و کسانی که در محاصره شرکت ندارند . علاوه بر آن تصویر سازی در قالب کلام ، گزارشهای توصیفی ، فیلمبرداری ، عکاسی و ... نیز باید صورت گیرد . در حالت عادی متن جنگ در بسیاری از اوقات برای رسانه ها جذابیت بیشتری دارد؛ مثل میزان تخریب یا پیشروی ، حضور فرمانده و غیره . علت آن این است که رسانه ها کشمکش مدار هستند و نظام خبری موجود در جهان کشمکش مدار است . شهرت ، مجاورت ، فراوانی ، عجیب و استثنایی بودن و کشمکش از جمله عناصر ارزشهای خبری است . در صورت ترکیب شهرت و کشمکش ، بهترین اخبار بوجود می آیند و در صدر اخبار قرار می گیرند . در مجموع، ارزش غالب در رسانه های ملی و بین المللی، کشمکش است و آنچه در متن جنگ می گذرد، معمولاً اهمیت بیشتری نسبت به حاشیه آن دارد- بویژه اگر از نظر روزنامه نگاران ، مسئولیت اصلی را پیشبرد آزادی ، دموکراسی و حقوق بشر بدانیم، نقش پررنگ تری پیدا می کند . بنابراین آنچه که گفتیم،

نظام و ساختار ارزشهای خبری در رسانه ها باید تحول یابد . در سطح بین المللی وقتی رسانه ها تجاری می‌شوند، آنچه که بتواند باعث فروش و جلب مشتری بیشتر برای آنان شود، اولویت دارد و اخبار مربوط به کشمکشها ،دررأس خبرهاست .البته این اخبار همچنین حاوی جلب علائق شدید هستند . مثل وقوع قتل ،سرقت ، محاکمه و حتی حوادث طبیعی که در اینجا ما با بُعد عاطفی و انسانی قضیه روبرو هستیم . پس ارزشهای صلح مدارا و تفاهم در فهرست ارزشهای خبری، باید جایگاه ویژه ای پیدا کند و این بسته به روزنامه نگاران آگاه و با بصیرت است که خود را دچار تأثیرات آنی نکنند. حقوق بشردوستانه نیز می تواند تأثیرات آنی و منافع آنی را توأماً با هم ،در نظر گیرد که این نقش به روزنامه نگاران نیز باید منتقل شود و به حاشیۀ جنگ توجه بیشتری شود . بصیرت و آگاهی روزنامه نگار، محتاج آموزش است . در مجموع می توان گفت که ما باید «**روزنامه نگاری بحران و جنگ**» داشته باشیم تا کسانی که به حقوق بشردوستانه و حقوق جنگ آشنایی دارند، برای تهیه و تدوین گزارش به صحنۀ نبرد اعزام شوند . یکی از راههای پیشرفت دموکراسی و حقوق بشر، تقبیح جنگهای تجاوزکارانه و نقض قواعد حقوق بشردوستانه است . گام بعدی، تأمین و تفسیر اولویت ارزشهای خبری است بطوریکه حقوق بشر و بشردوستانه برجسته شوند .

امروزه رسانه ها ،انگاره سازی می کنند و تصویر ذهنی ما را از واقعیتهای جنگ، نسبت به جامعه ملی و جهانی شکل می دهند .آنها می توانند برای جنگ تجاوزکارانه، مشروعیت سازی کنند یا مثلاً زمانی که مذاکرات دیپلماتیک بازتاب رسانه ای می یابد، انعکاسش تغییر می کند . از سوی دیگر اخلاق حرفه ای خبرنگار نیز، در راستای احقاق حقوق بشر، آزادی ، پیشبرد صلح و دموکراسی است و نتیجه آن ،به ارمغان آوردن صلح زودرس است . ضرورت استفاده صلح آمیز از رسانه ها ، پرهیز از انتشار اخبار مغرضانه و تحریک آمیز و ناسره و عدم تحریک به جنگ، جزئی از اخلاق حرفه ای روزنامه نگار است. با به تصویر کشیدن نقض حقوق غیر نظامیان، عرصه بر متجاوزین تنگ می شود . برای این منظور روزنامه نگاران باید آموزش ببینند ، اولویت گذاری در ارزشهای خبری تغییر کند

و معلوم شود که مدیران و صاحبان رسانه ها، چه نگرش و خط مشی دارند و توسط چه کسانی سیاستگذاری می شوند؟ صرفنظر از گردانندگان روزنامه ها، روزنامه نگاران دولتی و غیر دولتی، باید به اصول اخلاقی متعهد باشند. رعایت اصول اخلاق حرفه ای یعنی وفادار بودن به حقیقت، عدم تحریف آن، صداقت، شجاعت، عشق به انسان و حقیقت گویی یعنی ترجیح منافع دیگری بر خود و ترسیم چهره واقعی طرفین درگیر در جنگ نقش بسزایی در این میان دارد. از اینجاست که رسانه ها هم می توانند نقش مثبت داشته باشند و هم نقش منفی.

در مورد رسانه های سایبر یا الکترونیکی نیز باید گفت که هنوز حقوق شناخته شده ای بر محتوا و نحوه فعالیت آنان وجود ندارد. برای روزنامه نگاران سنتی و تاریخی - که از قرن ۱۶ و ۱۷ حرکت هایی شروع شد و در اواخر قرن ۱۹ وارد عرصه جدید خبری گردید، از همان ابتدا شروع به مقررات گذاری و قانون انگاری، برای حرفه خبرنگاری گردید. امروزه بدون رسانه ها مردم از حقوق شهروندی خود مطلع نمی شوند؛ آنها می توانند سطح آگاهیها را بالا ببرند چنانچه در اسناد حقوق بشردوستانه به «توسعه سطح آگاهیهای حقوق بشردوستانه» تأکید شده است. حرفه روزنامه نگاری با مفهوم سنتی، اصول و قواعدی دارد از جمله تن دادن به میثاق اصول و اخلاق حرفه ای مانند عدم توهین و افترا، تحریک به جنگ، خشونت، تبعیض نژادی و قومی و زبانی یا به هر شکل دیگر، تجاوز به حریم خصوصی و هتک حرمت اشخاص و ۰۰۰ که همگی در اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری - که عده ای به آن حرفه مانند طبابت و روحانیت کلیسا در گذشته، «حرفه مقدس» اطلاق می کنند - منع می شوند و در صورت ارتکاب این اعمال و تخطی از اصول حرفه ای، مستحق سرزنش و قابل مجازات به لحاظ حرفه ای است ولیکن در مورد روزنامه نگاری سایبر این امر چگونه صورت می گیرد؟ در پاسخ باید ابعاد مختلف قضیه را در نظر گرفت؛ جلوگیری و فرار از سانسور و خشونت، امکان برقراری ارتباط با مردم در سراسر جهان و تقریباً بی قید و بند بودن، جزء صفات اولیه آنهاست. چرا که می توان از قید نظارتهای متمرکز فرار کرد بطوریکه هزاران وبلاگ، هزاران خبر واقعی را از گوشه

و کنار جهان منتشر می‌کنند، آزادی بیان رابه وجود می‌آورند و تنوع اخبار و اطلاعات را می‌سازند. امروزه بر اصل آزادی بیان، محدودیتهایی به بهانه بحران یا تهدید منافع ملی، توسط حاکمیت دولتها اعمال می‌شود.^۱ ولی کثرت رسانه ها امکان کنترل راز بین برده است . زیرا هر شهروند یک روزنامه نگار است که اصطلاحاً به آن «روزنامه نگاران بدون سردبیر» یا « هر فرد یک سردبیر » به آن می گویند . درچنین شرایطی، فرصت و امکانات بیشتری برای روزنامه نگاران ،علی الخصوص برای تهیه اخبار حاشیة جنگها بوجود می آید ،صاحبان آن قابل دسترسی نیستند ، تنوع و تكثر اخبار زیاداست و می توانند واقعیتهای مربوط به نقض حقوق بشردوستانه را منعكس نمایند . امايك تهدید نیز وجوددارد و آن عدم اطمینان از صحت اخباری است که منتشر می شود؛ یعنی از بعد تحلیلی اطلاعات منتشره و اینکه هر کسی هر چیزی را، به عنوان خبر می تواند منتشر کند ولی صحت و سقم آن نیاز به بررسی دقیق دارد .

درجریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز، بیشترین انعكاس اخبار بشردوستانه که البته با منافع ملی نیز عجین شده بود ، به چشم می خورد . بطور مثال بمباران شیمیایی مناطق ،کشتار غیر نظامیان ، وضعیت اسرا و ۰۰۰ در اخبار وجود داشت . البته باید در نظر داشت که بخشی از رویدادهای مستقیم جنگ، قابل انتشار نبود و ممکن بود یک مزیت یا امتیاز نظامی برای دشمن محسوب شود .
النهايه باید گفت که آموزش روزنامه نگار، آشنایی با اخلاق حرفه ای و حقوق بشردوستانه ،داشتن خبرنگار متخصص ، درج اخبار واقعی و صحیح ،تأمین امنیت و حفظ حقوق روزنامه نگاران ، تغییر اولویت ارزشهای خبری و توجه به حاشیة جنگها، همگی از عواملی هستند که درجهت تعامل حقوق بشردوستانه با رسانه ها باید وجود داشته باشند .

^۱ - ر.ک به : ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ، ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ ، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حفظ و حراست از حقوق بشر ، ماده ۱۳ کنوانسیون امریکای حقوق بشر و ماده ۹ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و شهروند

نقش رسانه ها در ترویج اصول بشردوستانه و گفتگوی تمدنها

دکتر محمود بروجردی^۱

تنوع تمدنها بیش از آنکه موجب جدایی انسانها و گروهها باشد، نیروی سازنده و تکاملی میان انسانها بوده است. گفتگوی تمدنها همزمان بر اساس دو اصل تفاوت و برابری صحنه می گذارد و موجبات درک متقابل میان افراد و گروههای متعدد را از طریق آشنا ساختن آنان با آرمانها، نظامهای ارزشی و اعتقادی، گرایشها و شیوه های تفکر و زندگی یکدیگر فراهم می آورد. چنین گفتگویی بر پایه تساهل، تحمل و احترام متقابل مبتنی است و مستلزم آن است که کلیه طرفهای گفتگو، ضمن بیان دیدگاههای خود، گوش شنوایی برای شنیدن افکار مخالف خود داشته باشند. گفتگوی تمدنها به از میان برداشتن سوء تفاهم ها، برداشتهای وهم آمیز و بی اعتمادی گروههای انسانی، کمک می کند و امکان حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از طریق کسب تجربه مشترک، در سطوح ملی و بین المللی میسر می سازد. از آنجا که رسانه های گروهی نقش مهمی در شکل دادن به افکار عمومی دارند، می توانند از راه گسترش و افزایش دانش عمومی، درباره نظامهای اعتقادی و ارزشی، در گروههای فرهنگی، دینی و قومی در امر بسط و توسعه تمدنها سهیم باشند. البته این امر خود بخود محقق نمی شود، زیرا رسانه های گروهی معمولاً تحت برخی قید و بندها و فشارها، مانند محدودیتهای مالی، رقابتهای شدید و مبارزات حرفه ای، درگیریهایی ایدئولوژیک حرفه ای و توقعات عموم، برای دریافت خبرها و گزارش های مهیج قرار دارند. اینگونه فشارها گاه منجر به ارائه گزارشهای مغرضانه، یکسویه و خلاف واقع نسبت به برخی کشورها می شود و رسانه ها را از انجام صحیح کار کردها و وظایفشان باز می دارد. گردانندگان رسانه های گروهی نیز می بایست نقش رسانه های گروهی

^۱ - دکتر محمود بروجردی، رئیس مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها.

در آگاهی بخشی به عموم مردم، حمایت از عدالت اجتماعی، صلح و ارتباط احترام آمیز در میان گروههای مختلف فرهنگی، قومی و ملی رایج دارند و همواره آنرا پر رنگ تر نمایند.

در طی دهه های اخیر، انقلاب ارتباطی و رسانه ای، امکان تعامل افراد و گروهها را به مراتب افزایش داده است. رسانه های جدید از قبیل فناوریهای ارتباطی بی سیم و ماهواره ای و شبکه جهانی گسترده تر در کنار رسانه های قدیمی تر مانند روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، امکان مبادله حجم بسیار گسترده از اخبار و اطلاعات را، در سرتاسر جهان فراهم آورده اند و امکان گفتگو بیش از هر زمان دیگر، با بکارگیری امکانات امکان پذیر است که البته در سراسر جهان دسترسی به وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی در همه جای جهان یکسان نیست؛ چرا که بیشترین تعداد افراد استفاده کنندگان در کشورهای غربی و صنعتی هستند و زبان رایج زبان انگلیسی است.

نگاهی اجمالی به گذشته نمایان می سازد که رسانه های گروهی نقش مهمی در غنای فرهنگی انسانها داشته اند، مانند نقش رسانه ها در تشکیل سازمانهای امدادرسانی بین المللی از قبیل صلیب سرخ و هلال احمر. البته در کنار این نقش مثبت، رسانه ها گاه در تشدید منازعات قومی نقش داشته اند و به همین دلیل دولتها می کوشند تا حداقل کنترلی بر رسانه های خویش داشته باشند. تا کنون رسانه ها، هم نقش تسهیل کننده وهم نقش بازدارنده در امر تحقق گفتگو داشته اند. در برخی موارد عملکرد رسانه ها به درک عمیقتر گروههای فرهنگی مختلف، شناخت نسبی آنها از معیارها و باورهای ارزشی یکدیگر و برقراری ارتباط سازنده در میان آنها، منجر شده ولی در برخی موارد نیز منازعات قومی تحت تأثیر رسانه ها افزایش یافته است.

گسترش رسانه ها، فرهنگهایی را که تا کنون از یکدیگر دور مانده اند، به یکدیگر نزدیک می کند. تجربه نشان داده است که برخورد و کشمکش در میان قومهایی که در مجاورت یکدیگر بوده اند بیشتر رخ داده است. عدم تجانس و ناسازگاری در برداشتها و قضاوتها ممکن است به ستیزه های

قومی و اعتقادی تبدیل شود و این وظیفه رسانه‌هاست که باانعکاس تمام نکوهشهایی که در سرتاسر جهان وجود دارد و پرهیز از پیشداوری، تحمل آراء مخالف را به عموم بیاموزند. کثرت فرهنگها می تواند به نگرش جامعه انسانی در مورد مسائل مهم بشری، عمق و وسعت بیشتری ببخشد. گاهی گزارشهایی که رسانه های غربی و شرقی نسبت به جوامع یکدیگر ارائه می دهند، نشان از اختلاف نظرها و تأکید به تفاوت های فرهنگی به جای در نظر داشتن نقاط مشترک است که موجب ایجاد فاصله و عدم وحدت بین این جوامع می شود. این دیدگاه نه تنها بسیاری از مشترکات فرهنگی جوامع شرقی و غربی را نادیده می انگارد بلکه تفاوت هایی که میان فرهنگ های منطقه واحد وجود دارد را نیز از نظر دور می دارد. این رویکرد، با گفتگوی تمدن ها و هدف آن که تأکید کثرت در عین وحدت است، منافات دارد و این مرز بندی قاطع میان فرهنگ ها گسترش یافته است.

بیطرفی رسانه ها در منازعات ملی و بین المللی در حل آنها بسیار مهم است و اگر قرار باشد به عنوان بنگاه سخن پراکنی دولتها عمل کنند و از نقش اصلی خود که برقراری ارتباط میان انسانها و آگاهی بخشی به مردم است، غافل بمانند مبدل به وسیله تبلیغاتی در جهت حمایت از منافع دولتها می شوند. رسانه ها بر اساس جریان آزاد اطلاعات، فرصت فکر کردن را از افراد می گیرند و اخبار سریعاً و پی در پی منتشر می شوند. بمباران اطلاعاتی مخاطبان، باعث تسلیم شدن آنان می شود. در این میان یکی از عناصر اصلی در تصمیم گیری، اطلاعاتی است که به افراد می رسد. از این رو و با در اختیار داشتن منابع اطلاع رسانی و کنترل افراد، می توان اعمال نفوذ کرد و تصمیمات را به نفع خود تغییر داد. لذا سلامت رسانه ها و عدم آلودگی آنها به مطامع فردی و گروهی، نقش مهمی در مراودات اجتماعی دارد.

اجرای حقوق بشردوستانه بین المللی توسط نیروهای مسلح

تیمسار اسامه دمج^۱

نقش اصلی صلیب سرخ در کنوانسیونهای ژنو توسط ۱۹۱ کشور، پذیرفته شده است که بر اساس آن اقدامات امدادی و کمکهای بشردوستانه، آزاد سازی و توسعه برخی برنامه های فرهنگی و اجتماعی، نظارت بر حسن اجرای مقررات بشردوستانه و غیره را بدون هیچگونه تبعیضی انجام می دهد. برای صلیب سرخ فعالیت در جهت ملاقات با اسرای جنگی و ایجاد ارتباطات با خانواده های آنان نیز به رسمیت شناخته شده است و در این میان دولتها موظف شده اند که ملاقات صلیب سرخ را با بازداشت شدگان و اسرا تسهیل کنند؛ چنانکه در لبنان و اردن صلیب سرخ می تواند از زندانها بازدید نماید و این بدان خاطر است که صلیب سرخ امروزه به عنوان یک سازمان معتبر، در سطح بین المللی فعالیت می کند. این نهاد بویژه از طریق گزارشهای محرمانه به رئیس زندانها، میزان تبعیت آنها را از حقوق بشردوستانه مشخص می کند.

در این مقاله می خواهیم ببینیم که نیروهای نظامی چگونه می توانند نقش پیشگیرانه داشته باشند و کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های ۱۹۷۷ چگونه به رفتار عملی تبدیل می شوند و درواقع به حقوق بشردوستانه چگونه جامه عمل پوشانده می شود؟ در هر کشور صلیب سرخ دوره های مختلفی را برگزار می کند که هدف از آن، آماده کردن ساختارهای نظامی است و اینکه رفتار نیروهای نظامی ملی کشورها را، با بکارگیری دوره های مستمر و آموزش سربازان، در تطابق با اصول بشردوستانه انسجام می بخشد. پس از ارائه آموزشها و آگاهی های لازم و حمایتهای ضروری از آنها، نیروهای نظامی قادر خواهند بود که در شرایط بحرانی و تصمیم گیریهای مهم، حقوق بشردوستانه را نیز لحاظ کنند. بنابراین اهداف حقوق بشردوستانه مشخص هستند: در جنگها همیشه محدودیت وجود دارد و این

^۱ - تیمسار اسامه دمج، فرستاده منطقه ای کمیته بین المللی صلیب سرخ در امور نیروهای مسلح و امنیتی

محدودیت به این گونه است که طرفهای درگیر به یاد داشته باشند که بکارگیری ابزارها ، سلاحها ، وسایل و شیوه های نبرد، محدودیت دارد به عبارت دیگر همواره باید توازن بین ضرورتها و نیازهای نظامی از یکسو و اهداف انسان دوستانه از سوی دیگر برقرار باشد . البته ناگفته نماند که تفکری وجود دارد که بر اساس آن اجرای حقوق بشردوستانه از طریق عملیات نظامی در رفتارشان ، دشمن را تحت تأثیر قرار میدهد بگونه ای که می پندارند با اجرای حقوق بشر دوستانه ، یک امتیاز و مزیت به حریف واگذار نموده اند ؛ درواقع برای مبارزه با این تفکر و اینکه می توان با رفتار بشردوستانه از خسارتهای ناخواسته ورنج و آزار غیر ضروری جلوگیری کرد ،حقوق بشردوستانه بوجودآمده است . لذا باید آموزش داده شود زمانی که فرد نظامی در مواجهه با یک هدف نظامی است و درکنار آن اهداف غیر نظامی وجود دارند، از متدها و وسایلی استفاده نماید که کمترین خسارت و رنج رابه اهداف غیر نظامی وارد کند و حتی الامکان از ایراد خسارت به آنان جلوگیری کند . بطور کلی هر فرمانده در صحنه نبرد ۳ هدف را باید در نظر بگیرد : افراد ، اشیاء و سلاح .

افراد : اصولاً در حقوق بشردوستانه افراد به دو دسته تقسیم می شوند ؛ یعنی افراد یا نظامی اند یا غیر نظامی . فرد نظامی فردی است که مستقیماً در مناقشه شرکت می جوید و حال آنکه غیر نظامی مشارکت مستقیم درجنگ ندارد ، می خواهد تروریست باشد یا فرد عادی یا حتی فرد نظامی که دیگر درجنگ شرکت ندارد مانند مجروحین و حتی روزنامه نگاران . آنها ازحمایتهای مقرر برای افراد غیر نظامی برخوردارند و لیکن دلایل مهم امنیتی و کسب امتیاز ، در صورت وجود ضرورت نظامی ، می تواند عاملی باشد که امنیت ژورنالیست ها را به خطر اندازد . همچنین روزنامه نگاران رامی توان به دو گروه تقسیم نمود: روزنامه نگاران نظامی که شامل کسانی هستند که در نیروهای نظامی به فعالیت می پردازند. درمورد این گروه باید گفت که قوانین دال براین نیست که در صورت دستگیری سریعاً آزاد شوند . گروه دوم روزنامه نگاران غیر نظامی هستند که در صورت دستگیری بایدسریعاً آزاد شوند .

اهداف : پروتکل اول ۱۹۷۷ اهداف نظامی را مشخص می کند و مواردی را مانند پل ، سازمان رادیو و تلویزیون را الزاماً اهداف غیر نظامی نمی داند بلکه بسته به ماهیت ، محل استقرار ، هدف و کاربری آنها در مقوله اهداف نظامی یا غیر نظامی می گنجند و بعلاوه تخریب یا ضبط آن باید برای طرف مقابل یک مزیت نظامی باشد . در این میان در حقوق بشردوستانه تلاش می شود که طی عملیات نظامی ، اهداف نظامی و غیر نظامی تفکیک شوند . اگر فرد مورد حمایت در یک هدف نظامی باشد ، باعث نمی شود که ماهیت هدف نظامی تغییر کند . *در حقوق بشر دوستانه زمانی که سخن از حمایت است به معنای مصونیت قضایی نیست بلکه به مفهوم رفتار انسانی است و اینکه طرفین حق ندارند مستقیماً علیه غیر نظامیان به زور متوسل شوند . در پایان این قسمت باید گفت که قاعده اساسی در مورد اهداف نظامی و غیر نظامی این است که « نباید از افراد و اهداف غیر نظامی استفاده نظامی کرد . »*

سلاح : در معاهدات مختلفی ، استفاده از هر گونه سلاحی ، ممنوع شده است . بطور خلاصه می توان عنوان کرد که سلاحها بر ۳ دسته اند : الف) سلاحهایی که به کاربردن آنها مجاز است «سلاحهای متعارف» . ب) سلاحهایی که استفاده از آنها محدودیت دارد مانند بمب ناپالم بویژه در موارد جنگ هوایی . ج) سلاح های ممنوعه که اصولاً نباید بکار گرفته شوند مانند سلاحهای شیمیایی . سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چگونه می توان بین مزیت نظامی و رفتار انسان دوستانه تناسب برقرار نمود؟ پاسخ به این پرسش را باید در اصل تناسب بیابیم که بر اساس آن «در یک حمله نظامی از مقدار زور و توانی استفاده می کنیم که برای از پای در آوردن دشمن کفایت کند» . در مجموع می توان بیان کرد که ممنوعیت حمله علیه غیر نظامیان ، اصل تفکیک میان اهداف و اموال نظامی و غیر نظامی و اصل تناسب اصول لایتجزی در حقوق بشردوستانه هستند . نیروهای امنیتی نیز به این دلیل که در درگیریهای مسلحانه باید کاری را انجام دهند که مربوط به زمان جنگ است، نیروی امنیتی بشمار نمی روند بلکه در حقوق بشردوستانه در قالب نظامیان قرار می گیرند . در پایان باید اشاره نمود

که علت آگاهی و آشنایی از قوانین بین المللی این است که وقتی کشوری به یک سند بین المللی ملحق می شود ، هر شهروند- اعم از نظامی و غیر نظامی- ملزم می شود وظایف خود را تحت این چارچوب بشناسد. روزنامه نگاران به عنوان شرکاء دائم نیروهای مسلح ، نقش ارزنده ای در صحنه نبرد دارند .

اجرای حقوق بشردوستانه بین المللی در ایران

محمد طاهر کنعانی^۱

این گردهمایی که اولین سمینار در مورد نقش رسانه های گروهی و حقوق بشردوستانه در ایران است ، نقطه شروع مناسبی برای رسانه ای کردن اصول و اندیشه های حقوقی و ارتقاء فرهنگ اجتماعی است و این مطلب رامی رساند که نقش رسانه ها در اجرای اصول و قواعد حقوق بشردوستانه و بطور کلی مهار خشونت در کشور ، مهجور مانده و باید علل و عوامل آن مورد تعمیق بیشتری قرار گیرند . امروزه فضای سنگین افکار عمومی ، در مورد حقوق بشردوستانه در جهان حاکم است. خبر رسانی و انعکاس رویدادها و حوادث ضد بشری در مخاصمات مسلحانه در یک دهه اخیر موجب واکنش های موثری از سوی جامعه جهانی گردیده و مقابله با جنایات جنگی و اقدامات غیر انسانی سبب بدست آمدن صلح زودرس و حکمفرما شدن آرامش در بحران ها شده است. بطورنمونه نقش ژورنالیست ها و خبرنگاران در محاکمه افراد از جمله رئیس جمهور یوگسلاوی سابق و انعکاس حوادث عراق بسیار پررنگ بوده است در ایران بدلیل نامأنوس بودن مطلب،نقش رسانه ها در مهار خشونت نمایان نمی باشد . در این جا ما درصددیم که اجرای حقوق بشردوستانه در کشورمان را مورد بحث قرار دهیم و روزنامه نگاران را با تجربه ایرانی حقوق بشردوستانه هرچه بیشتر آشنا سازیم قبل از هر چیز به بستر تاریخی و فرهنگی حقوق بشردوستانه با تکیه بر سابقه ایرانی آن خواهیم پرداخت :

بطور کلی اصول و قواعد حقوق بشردوستانه ، ریشه در فرهنگهای باستانی از قبیل سومر، یونان، ایران و... دارد . در آثار باقیمانده از جوامع باستانی و نوشته های مورخین دو جنبه مختلف زندگی انسان یعنی خشونت بی اندازه و انسان دوستی بعنوان دو نیروی خیر و شر دوشادوش یکدیگر به ثبت رسیده اند. در کتیبه های به جای مانده از پادشاهان آشور (عراق کنونی) آنان به سوزاندن اسیران و ویرانی

^۱ - محمد طاهر کنعانی ، رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه .

خانه های مردم بابل و به بند کشیدن مردم بیگانه مباحثات کرده اند. در تورات نیز ظاهراً عباراتی حاکی از این مطلب وجود دارد: در سفر تثئیه باب دوم می خوانیم: « یهوه خدای ما سیحون ملک حشبون را به دست ما سپرد. او را با پسرانش و همه قومش از میان بردیم و تمامی شهرهایش را در آن وقت گرفته و مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم و یکی را باقی نگذاشتیم و بهائم را با غنیمت های آن شهرها به غارت بردیم. »

در میان چنین خشونت هایی در جنگ، می توان نشانه های تلاش انسان برای کاهش خشونت را نیز مشاهده کرد. حماسه انساندوستی گیلگامش در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نمونه آن است. در میان سومریان نهاد سازمان یافته ای وجود داشته که در آن قواعد حقوق جنگ، صلح و آزادی اسیران در مقابل فدیة معمول بود. در قرن ششم قبل از میلاد در یونان باستان مجموعه معاهداتی در مورد ممنوعیت جنگ در زمان های مقدس و فصل های نامناسب سال، محدودیت مجازات تسلیم شدگان و آزادی اسیران، منع استفاده از پرتابه های انفجاری و منع هدف قراردادن غیرنظامیان و اماکن و افرادی که تحت حمایت خدایان قراردارد، وجود داشته است. در فرهنگ هند باستان رفتار بشردوستانه در زمان جنگ در حماسه مهابهاراتا از قبیل رعایت اصول و قوانین اخلاقی و عرفی مردم در حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد تدوین شده است. همچنین در مجموعه قواعد مائو در قرن یکم قبل از میلاد مقرر شده یک جنگجو در مبارزه با دشمنان، نباید با سلاح پنهان، یا سلاح سمی و نیشدار یا با تیغه آتشین حمله کند. در فرهنگ ژاپن می توان نمونه های بسیاری از لزوم رعایت انسانیت در جنگ یافت نمود. در این فرهنگ انسانیت را مهمترین و لازم ترین ویژگی هر فرمانده دانسته و انسانیت در مقابل شکست خوردگان و ضعفا را قابل احترام ترین رفتار برای یک جنگجو می دانستند.

اصولی مانند مسموم نساختن چشمه ها ، قطع نکردن درختان، حمایت از اسیران ،آزادی اسرا در مقابل فدیة، کمک به مجروحان ،آزار نرساندن به زنان و کودکان و رعایت محدودیتهای نظامی، حتی در قبایل بدوی و جوامع اولیه نیز به چشم می خورد.

در ایران باستان افکار و اندیشه های زرتشت پیامبر، در ترویج راستی و کردار نیک به وضوح در رفتار پادشاهان و کتیبه ها و آثار ایرانی منعکس شده است . زرتشت جنگ واقعی را پیکار دایمی میان نیکی و بدی ، راستی و کژی و نور و تاریکی می دانست، لشکری که به اصول رفتار نیک ، گفتار نیک و کردار نیک پایبند باشد ، از لشکریان اهورا مزدا مظهر راستی و نیکی و نور در مقابل سپاه اهریمن یعنی نماد زشتی ، پلشتی و پلیدی و کارهای نکوهیده بوده است. در فرهنگ ایران باستان و کتاب اوستا « زندگانی » و «آبادانی» موجب شادابی و خرسندی اهورامزدا خدای بزرگ و یگانه بوده و کارهای پلید از جنس تاریکی بوده و در خور نابودی و شکست . این اندیشه های تابناک پیامبر بزرگ ایرانی در افکار فلسفی یونانیان و رفتار پادشاهان هخامنشی و پهلوانان ایرانی و بویژه درجنگ ها پرتو افکند. بارزترین نمونه عملی این مکتب رفتار کورش کبیر بینانگذار سلسله هخامنشیان در جنگ های آسیای صغیر، فتح سارد، فتح بابل، رفتار انسانی با یهودیان و جلوگیری از تاراج اموال مردم توسط سپاهیان و حتی مصونیت کشتزارها بوده است .

آن جایی که بر روی استوانه ای گلین به فرمان او نوشته اند:«منم کوروش، شاه جهان، شاه دادگر... آن گاه که بدون پیکار وارد بابل شدم همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند، ارتش من به آرامی وارد بابل شد . نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر برسد. من برای صلح کوشیدم. من برده داری را برانداختم و به بدبختی بردگان پایان بخشیدم. مردم پراکنده و آواره را به جایگاه خود برگرداندم و خانه های ویران آنان را آباد کردم ... »

رفتار و کردار کورش کبیر الگویی برای همه جهان بوده و درآن دوران کهن مورد شگفتی تاریخ نگاران شده است .هرودت می نویسد: « کوروش پادشاهی بزرگوار ، بخشنده و آسان گیر بود ... مظلومین را

عطا می داد و آنچه را خیر خلق بود، هدف خود قرار داد.» گزنفون در کتاب « پرورش کوروش» تصویری از یک کورش نیک ، خردمند و مداراگر ارائه می دهد و آنگاه می نویسد: « ما با اعتقاد به اینکه این مرد [کوروش] سزاوار هرگونه ستایش است تحقیق کرده ایم تا بدانیم اصل و نسب او چیست ؟ چه استعدادهایی داشته و از چه نوع آموزش و پرورشی بهره جسته که توانسته این گونه در فرمانروائی انسان ها سر آمد و حکومت او بزرگترین و شکوهمندترین پادشاهی در سراسر آسیا باشد.» ادبیات حماسی و عرفانی ایران نیز مشحون از نکته های اخلاق جنگی و جوانمردی و مروت و انساندوستی و جهان شمولی است . در شاهنامه فردوسی رعایت ارزش های بشردوستانه بسیار فراتر از اصول تفکیک نظامیان و غیرنظامیان و مصونیت مردم غیرنظامی رفته و اسطوره های شاهنامه نماینده اصول پهلوانی و اخلاق رادمردی و از خودگذشتگی و آینه تمام نمای ارزش های انسانی بوده اند . شاهنامه در سیر تاریخی جنگ های بین المللی ، وقوع جنگ را نتیجه کژاندیشی چهره های منفی ایران و توران دانسته که اصول انساندوستانه را رعایت نمی کردند بیت های شاهنامه در مورد حمله کاوس شاه به مازنداران می گوید :

همه سر بریدند برنا و پیر زن و کودک خرد کردند اسیر

کاوس پادشاهی خودکامه و پیر بوده که رستم خطاب به او می گوید :

تو را شهریاری نه اندر خور است همه کارهایت زهم بدتر است

و افراسیاب ، شهریار کینه جوی توران در بخش های مختلفی از شاهنامه با رفتار غیرانسانی توصیف شده است که با ایرانیان بر خلاف اصول انسانی رفتار کرده؛ همچون کشتن سیاوش ، در چاه افکندن بیژن و جنگ افروزی های متعدد به مرزهای ایران . با وجود چنین مظاهر بدی ، در شاهنامه فرجام جنگ ها را ظهور یک پادشاه نیک اندیش و پیامبر صفتی بنام کیخسر و دانسته که « ایران و توران برنش نماز » و تولد این پادشاه همراه با نوروز و جشن جاودانی ایرانیان ، در روای پیران سپهسالار توران محقق می شود:

سپهدار توران دیدی به خواب که شمعی فروزنده تر از آفتاب

سیاوش بر شمع تیغی به دست به آواز گفتا نشاید نشست

که روزی نوآیین و جشنی نو است شب زادن شاه کیخسر و است

بدین سان می بینیم سیاوش چهره معصوم شاهنامه در پس مرگ خود بدست افراسیاب الهام بخش
کینه توزی نبوده بلکه نوید بخش صلح و ثبات ایران و توران بدست فرزند فرهمند خویش و پادشاهی
است که به تعبیر رستم دستان پادشاهی که مهر و ستایش مر او را سزید.

تهمتن چو نزدیک خسرو رسید که مهر و ستایش مر او را سزید

اما در عرصه جنگ های داخلی در جنگ رستم و اسفندیار جلوه های کرامت و مهر و انساندوستی به
اوج خود رسیده و جهان پهلوان ایران «رستم» دراندیشه کاهش دامنه خشونت به حداقل ممکن یعنی
نبرد تن به تن دو سردار است یکی شهریار و دگر پهلوان. وی در گفتگوی بسیار پر مغز خود با
اسفندیار پس از نومیدی از صلح و دوستی با اسفندیار، با وی پیمان می بندد که فقط هر دو نفر تنها
با هم بجنگند نه اینکه :

چو ایرانیان را به کشتن دهیم خود اندر میان تاج بر سر نهیم

سخن از ارزش های بشردوستانه شاهنامه بسیار مفصل است و ارائه کامل مطلب در این مقال نمی
گنجد ولی بطور خلاصه می توان گفت شخصیت نظامیان در شاهنامه در مفهوم بسیار معنوی و
ارزشمند « پهلوان » ترسیم شده که آمیخته با مفاهیم عرفانی و اسطوره ای و ارزش های بلند انسانی
است که هیچ گاه دراندیشه قدرت نبوده و شهریاری را بر خلاف آیین پهلوانی می داند. قواعد انسانی
همچون یاری رساندن به مظلومان و رعایت اصول جوانمردی در مبارزه ریشه عمیق و مستحکمی در
فرهنگ و تاریخ ایران زمین دارد .

درفرہنگ اسلامی و بویژہ آیات قرآن کریم نیز قواعد و معیارہای بسیار زیادی درمورد حقوق بشردوستانہ وجود دارد. قرآن کریم می فرماید «ولا یجرمنکم شان قوم ان لا تعدلوا» یعنی دشمنی با قومی شمار را وادار نکند کہ عدالت را رعایت نکنید این جا منظور دشمنی با مذهب های دیگر است چون در اسلام قوم ظالمین بہ معنای فرقہ و مذهب ظالم نیز آمدہ است. درابواب فقہ ،پس از عبادات مهمترین بخش ضروریات دین ،حقوق بشردوستانہ است . تاریخ اسلام نیزبیانگر مواردی در این زمینہ از قبیل سپاہ اسامہ در زمان پیامبر ، سپاہ اسلام در مقابل رومیان در زمان ابوبکر، وجنگ صفین در زمان حضرت علی(ع) است. و در این جنگ حضرت علی(ع) خطاب سپاہیانہش می فرماید:«چنانچہ آنها را بہ خواست خدا شکست دادید،هیچ فرد در حال فرار را نکشید، جان هیچ مجروحی را نستانید،هیچ اسیری را گردن نزنید،شامگاہ هیچ کس را عریان نسازید، مردگان را مثلہ نکنید، بہ داخل یا سراپردہ ای بدون اذن صاحب آن داخل نشوید، اموال آنان بہ جز اموالی کہ در لشکرگاہ بہ دست شما می افتد بہ غارت مبرید.این اموال متعلق بہ وراث آنان است کہ طبق مقررات ارث اسلامی باید میان آنها تقسیم شود. زنان را سخن زشت مگوئید و آزار نرسانید حتی اگر بزرگان شما را سب کنند یا نوامیس شما را مورد دشنام قرار دهند. » در حوزہ اخلاق اسلامی اصل اخلاقی «آنچہ را کہ برای خود نمی پسندی، برای دیگران روامدار» اصلی است کہ در نامہ حضرت علی (ع) بہ امام حسن(ع) آمدہ و اصلی است کہ در تمام فرہنگ ها مشترک است و کاملاً یک اصل مشخص و اجرائی و عملی است مثلاً" اگر ما دوست نداریم کہ مردم بی دفاع مان و زنان و کودکان مان مورد تعرض و هجوم قرار گیرند باید بہ مردم غیرنظامی دشمن ہم تعرض نکنیم و اگر نمی خواهیم مجروحان و اسیران جنگی ما توسط دشمن شکنجہ یا کشتہ شوند، با اسیران و مجروحان آنها چنین نکنیم.

بنابر آنچه کہ گفتیم بستر فرہنگی و تاریخی اجرای حقوق بشردوستانہ درایران با رہ توشہ های گرانبار تاریخی و اخلاقی وجوددارد .سؤالی کہ دراین میان مطرح است این است کہ با وجود این میراث های بزرگ ،چرا در این زمانہ نتوانستہ ایم نقش پیشتازانہ ای در اجرای حقوق بشردوستانہ داشتہ باشیم و چرا جزء آخرین کشورهایی ہستیم کہ بہ پروتکل های ژنو ملحق نشدہ اند؟چہ کارهایی باید برای ترویج و نہادینہ ساختن حقوق بشردوستانہ انجام دہیم ؟ در پاسخ بایدبیان داشت

که کار رسانه‌ای نخستین گام فرهنگ‌سازی است. در بعد حقوقی و رسانه ای در داخل ایران نقش حقوق بشردوستانه بسیار ضعیف است هنگامی که معاهده ای با ماهیت بشردوستانه وارد مجلس می شود مثل همین پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های ژنو ، با بدبینی به آن نگریسته می شود و از آن به عنوان تضعیف کننده نیروی نظامی کشور نگریسته می شود؛ در صورتیکه از نظر امنیتی و سیاسی ، جمهوری اسلامی ایران عملیات نظامی برون مرزی ندارد و برنامه اش دفاعی است .این برنامه دفاعی بر دو گونه است : سخت افزاری و نرم افزاری .

مهمترین قسمت برنامه دفاعی نرم افزاری را ترویج حقوق بشردوستانه تشکیل می دهد ؛ ترویج اصولی مانند تفکیک ، بیرون بردن تأسیسات نظامی به بیرون شهرها ، اصل تناسب ، اصل محدودیت ، اصل انسانیت یا اصل حسن نیت از جمله عناصر تشکیل دهنده برنامه دفاعی نرم افزاری است و موجب مهار نیروی تهاجمی دشمن می شود .

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ما به نه معاهده حقوق بشردوستانه ملحق شده ایم : عهدنامه تحریم جنگ ، عهدنامه ممنوعیت ساخت و ذخیره گازهای سمی و میکروبی ، عهدنامه نحوه عملیات زیر دریائی ها ، کنوانسیونهای ۴ گانه ژنو ، کنوانسیون منع توسعه سلاحهای هسته ای N.P.T ، کنوانسیون منع تکمیل و توسعه سلاحهای باکتریولوژیک ، کنوانسیون اموال فرهنگی ، کنوانسیون پناهندگان و پروتکل الحاقی آن این اسناد را تشکیل می دهند. لیکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی تنها یک معاهده با عنوان «کنوانسیون منع تکمیل ، تولید و ذخیره سلاحهای شیمیایی» در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده است ؛ حال آنکه از لحاظ هنجارسازی در سطح بین المللی اقدامات وسیعی صورت گرفته است . معاهدات و اسنادی که هنوز ما ملحق نشده ایم قابل توجه هستند. بطوریکه پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ تا سال گذشته ۱۶۰ کشور و پروتکل دوم ۱۵۳ کشور رسماً به آنها ملحق شده اند، ولی نامی از ایران در خصوص الحاق به آنها وجود ندارد . الحاق به این اسناد اولاً: از نظر حفظ ورعایت منافع ملی، ضروری و لازم است؛ چون امریکا و اسرائیل که هنوز به این اسناد ملحق نشده اند ، در صدد رقیق کردن مقررات کنوانسیون ها و پروتکل های ژنو هستند و برای حفاظت از نیروهای خود در سرتاسر دنیا و سیاستهای

نظامی برون مرزی خود ، به این اصول و قواعد توجه چندانی نمی نمایند و البته آمریکائی ها مدعی هستند که در نظام حقوق ملی شان قوانین سختگیرانه تری (مثل قانون - لیبر) وجود دارد و حتی برای ناقضین حقوق بشردوستانه مجازات اعدام پیش بینی کرده و کنوانسیون های ژنو در مقایسه با قوانین داخلی آمریکا بسیار ابتدائی هستند. لیکن همانطوریکه گفتیم ، بر طبق قانون اساسی کشورمان سیاست نظامی ایران بر خلاف کشورهای فوق برنامه نظامی دفاعی است و عملیات برون مرزی ندارد و تقویت بین المللی اصول حقوق بشردوستانه بیشتر از جنبه داخلی آنها بنفع کشورمان می باشد.

ثانیاً: این استدلال که برخی کشورهای همسایه نیز به پروتکل ها ملحق نشده اند، ضعیف است . زیرا ایجاد «حق شرط» رزرو به عنوان یک راهکار برای ملزم نشدن در قبال کشورهای غیرعضو از یک سو و تبدیل شدن قواعد مندرج در آنها به قواعد عرفی از سوی دیگر- همان گونه که در آراء دادگاه یوگسلاوی سابق انعکاس یافته است- باعث می گردد که عدم الحاق برخی همسایگان محدودیتی یا تعهد زائدی ایجاد نکند و کشورهای بیشتری به آن ملزم شوند . **ثالثاً:** در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ، عملاً قواعد ماهوی حقوق بشردوستانه کاملاً رعایت گردید ولیکن مقررات شکلی مانند ثبت نام دقیق اسیران و یا ارائه آمار دقیق آنها اعمال نگردید و جالب است بدانیم که عدم رعایت قواعد شکلی حقوق بشردوستانه بهانه ای شد که با وجود آن همه اقدامات انساندوستانه در طول جنگ کشور ما را متهم به نقض حقوق بشردوستانه نمایند. «بنابراین همگام با اصول ارزشی ، فرهنگی ، دینی ، حفظ منافع ملی و اینکه تقریباً اکثر کشورها به پروتکل ها ملحق شده اند، لازم است اقدامات جدی در این زمینه صورت گیرد.» هم اکنون با اعمال حق شرط توسط کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، این پروتکل ها به تصویب هیات وزیران رسیده و به بصورت لایحه ای در مجلس شورای اسلامی است. از جمله اسنادی که ما هنوز بدانها ملحق نشده ایم پروتکل های مربوط به اموال فرهنگی مثل «کنوانسیون صادرات و واردات غیر قانونی اموال فرهنگی» است. همچنین معاهده سلاحهای لیزری کور کننده و معاهده مینهای زمینی «معاهده اوتاوا» نیز در همین ردیف قرار می گیرند . اما مهمترین سندی که هنوز بدان

ملحق نشده ایم اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی رم «ICC»¹ است . ایران قبل از تشکیل این دادگاه ، نقش بسزایی در تشکیل آن ایفاء نمود ولی پس از تصویب اساسنامه و لازم الاجرا شدن آن ، اقدام جدی در این خصوص انجام نداده است .

نظر به همسان سازی قوانین داخلی بامقررات این دیوان ، از سوی کمیته ملی حقوق بشردوستانه ، پیشنهاد تصویب قانونی تحت عنوان « قانون مجازات مرتکبین جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت» به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد، لیکن در مجلس عنوان «مجازات» از قانون فوق الذکر برداشته شده و به عنوان قانون بدون مجازات به تصویب رسید و بخش جنایات جنگی که جانمایه این قانون بود حذف گردید. متعاقباً پس از اصلاحات شورای نگهبان و ایراد ابهام در آن، قضیه بصورت مسکوت باقی ماند و هیچ اقدامی پس از آن در خصوص لازم الاجرا شدن، صورت نگرفت که از نظر حقوقی خود مسأله ای قابل بحث و بررسی است. مجدداً " کمیته ملی حقوق بشردوستانه پیش نویس قانون جامعی تحت عنوان «قانون تعقیب و مجازات برخی از جرایم بین المللی» برای قوه قضاییه ارسال کرد که در معاونت توسعه قضائی آن قوه در حال بررسی است. اگر ما چنین قوانینی تصویب کنیم و نظام حقوقی مان را با اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی هماهنگ گردانیم در آن صورت امکان الحاق به اساسنامه این دادگاه امکانپذیر است.

اما در مورد راهکارهای اجرایی و اجرای حقوق بشر دوستانه باید گفت که پس از تشکیل کمیته ملی حقوق بشر دوستانه- که صرف تأسیس آن گام بسیار مهمی بوده است- در چهار سطح فعالیت اجرایی انجام می دهد :

الف) در سطح دانشگاهها؛ در جهت تصویب طرح درس «حقوق بشر دوستانه» برای دانشکده های حقوق و دانشکده های نظامی اقدامات جدی صورت گرفته است و حتی به ابتکار دانشگاه مفید مطالعات اولیه ای برای ایجاد رشته حقوق بشردوستانه در سطح کارشناسی ارشد بعمل آمده است.

¹ - International Criminal Court.

- ب) در سطح نیروهای مسلح ؛ «آموزش حقوق بشر دوستانه به نیروهای نظامی» مهمترین اولویت است؛ بطوریکه کشورهای خاورمیانه و جنوب خلیج فارس در این زمینه از ایران جلوتر هستند .
- ج) در سطح حاکمیت کارهای قانونگذاری و شرکت در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب اصول حقوق بشردوستانه بعنوان سیاست های کلی نظام و نیز در سطح آموزش و پرورش؛ طرح کاوش حقوق بشردوستانه EHL¹ برای آموزش حقوق بشر دوستانه به زبان ساده در دبیرستانهای کشور قابل ذکر است .
- د) در سطح عامه مردم نیز مهمترین اقدام رامی توان ، چاپ و نشر حدود یازده عنوان کتاب ، جهت تنویر و آشنایی افکار عمومی به حقوق بشر دوستانه را می توان نام برد .

¹ - Exploring Humanitarian Law

نقش آموزش شبیه سازی در ترویج حقوق بشر دوستانه بین المللی

دکتر مهدی ذاکریان^۱

در نیم قرن اخیر بویژه در خاورمیانه، شاهد نقض گسترده حقوق بشر دوستانه بوده ایم و این درحالی است که از مطبوعات و رسانه های گروهی، انتظار می رود در مقررات حقوق بشر دوستانه، بطور یکسان بر اساس اسناد بین المللی تعمق نمایند. در جامعه ایران از سال ۱۳۷۶ تاکنون، حقوق بشر ابزاری در جهت رقابتهای گروههای سیاسی است و رسانه ها نیز به آن دامن زده اند، بطوریکه جناحها، احزاب و گروههای مختلف با ابزار حقوق بشر، زودتر به قدرت می رسند یا رقبای خود را زودتر از صحنه دور می نمایند. لیکن این رویه منطبق با موازین و اصول مندرج در حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه نمی باشد و باید خارج از مدار سیاسی قرار گیرد. از سوی دیگر انتظار می رود که شعارها، سمبل ها و دستاوردهای فرهنگ و تمدن ایرانی که خود بستر زمینه ساز اعمال حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در ایران است برجسته گردد. بطور مثال استوانه گلی کوروش کبیر یا علامت شیر و خورشید سرخ.

در خصوص آموزش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه با مطالعه سمینارها و مقالات متعدد در می یابیم که، آموزش حقوق بشر در کشور ما بر اساس یک روش سنتی و تاریخی «استاد محور» پایه ریزی شده است. در این روش آموزشی، بر نقش کلیدی استاد در کلاس درس، تکیه می شود و می تواند بصورت پرسش و پاسخ و تبادل اطلاعات نیز منجر شود. حق این است که این روش را حفظ کنیم ولیکن باید دانست که روشهای آموزشی دیگری نیز وجود دارند که ذیلاً به چند نمونه از آنها خواهیم پرداخت:

۲- دکتر مهدی ذاکریان، محقق ارشد مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

روش آموزش از طریق «برگزاری سمینارها» یکی دیگر از این متدهاست . در این روش باید اهداف و دستاوردهای سمینار، مورد مطالعه قرار گیرد ؛ ولی در کشور مایا حدی سمینار به یک قضیه تشریفاتی و پرستیژی تبدیل گردیده است . سومین روش «روش سقراطی» است که از طریق راه رفتن در کلاس و ایجاد سؤالهای متوالی و پیاپی در جهت رسیدن به هدفی خاص ، به آن خواهیم رسید ؛ به عبارت دیگر از جهل به آگاهی می‌رسیم . متد چهارم برای ترویج حقوق بشر دوستانه را می‌توان روش « مطالعه موردی »^۱ دانست. چرا که بر این مبنا دانشجو ، بامطالعه قبلی از قضیه خاص، به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد. روش پنجم روش آموزش « پژوهش محور» است که این روش بویژه در امریکا در سمینارهای پیشرفته اعمال می‌شود . در این روش برای تعدادی از دانشجویان دکتری موضوعی تهیه می‌شود و از آنها خواسته می‌شود که در آن خصوص فعالیت تحقیقاتی و پژوهشی انجام دهند . و بالاخره آخرین روش «روش شبیه سازی»^۲ نام دارد که موضوع اصلی این مقاله است . در دهه ۵۰ در امریکا چنین تصور می‌شد که چرا ما به حقوق ، علوم سیاسی و روابط بین الملل نیاز داریم ؟ در پاسخ بیان گردید که بایستی نیروهای کارآمد، در حوزه های تئوری و اجرا یا به عبارت دیگر دنیای ذهنی و دنیای عینی داشته باشیم . در این علوم ، ما به دنبال این هدف می‌باشیم ولی لزوماً حقوقدانان و سیاستمداران خوبی نداریم و این امر ، بر خلاف علوم پزشکی است. وجود نوعی آزمایشگاه برای استفاده از مطالب تئوری ، پیشنهاد گردید و از آن پس مدلهایی بوجود آمد که دانشجویان این رشته ها با شبیه سازی به آزمون و خطا بپردازند . بطور نمونه مدل سازمان ملل ، مدل کمیته حقوق بشر و ۲۰۰۰^۳ . در مدل سازمان ملل ، دانشجویان به عنوان افراد و نمایندگان دولتها در مجمع عمومی عمل کرده و به تبادل اطلاعات اقدام می‌نمایند . همانطور که بیان گردید، دانشجویان در زمان تحصیل آزمون و خطا می‌نمودند و آموخته های علمی و پژوهش خود را، ارتقاء می‌بخشند .

^۱ Case Study

^۲ - Simulation

^۳ - مثال دیگری که در این خصوص قابل ذکر است این است که ، در سال ۲۰۰۰ قضات و نیروهای اصلی دیوان بین المللی کیفری «ICC» ابتدا آنرا شبیه سازی نمودند و سپس شروع به فعالیت نمودند.

درواقع این شبیه سازی نوعی پیوند و برقراری ارتباط میان حوزه نظر و حوزه اجرا و تصمیم گیری است. این روش تا سال ۱۳۷۶ در ایران جایگاهی نداشت و این درحالی بود که در تمام دانشگاههای دنیا درتمان شبیه سازی وجود داشت. ما در ایران (کمیته حقوق بشر سازمان ملل) را، شبیه سازی نمودیم و کشور فرضی با سناریوی خاصی که برای آن در نظر گرفته شده بود؛ گزارش دوره ای خود را به کمیته ارائه نمود. دانشجویان به عنوان اعضاء کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نمایندگان دولتها، سازمانهای غیر دولتی، مطبوعات و ۰۰۰ به ایفاء نقش پرداختند. باتوجه به مطالب فوق الذکر سؤال اساسی این است که چگونه می توانیم ادبیات حقوق بشر دوستانه را در کشور نهادینه نمائیم؟ خواندن کنوانسیونهای چهارگانه ژنو یا پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷؟ برگزاری سمینارهای علمی؟ کارگاههای پژوهشی؟ به دست آوردن تجربه با گذراندن کارآموزی در کمیته بین المللی صلیب سرخ؟ آموزش و یادگیری در دوره های دبستان، راهنمایی و دبیرستان؟ توجه به علم حقوق در دانشگاه؟ آنان که دست کم یک دوره آموزشی را در دانشگاه گذرانیده اند، به خوبی می دانند که هر یک از روشهای یاد شده در فراگیری حقوق سودمند است. *شبیه سازی، روش آموزشی است که همه راههای گفته شده را یکجا و توأم در بر دارد؛ بر پایه برنامه های شبیه سازی، برای عمل و تصمیم در مقام یک شخصیت فعال «اعم از رئیس جمهور، وزیر امور خارجه، دیپلمات، روزنامه نگار، استاد دانشگاه، پژوهشگر و...» نیازمند شناخت قواعد و کنوانسیونهای ژنو، تعمیق و پژوهش در موضوع سناریو، مهارت در اجرا، عمل، تجربه و دانش برای تصمیم گیری هستیم*.

حقوق بین‌المللی پناهندگان و فعالیتهای کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد

هله انکرسون^۱

حقوق پناهندگان به عنوان زیر مجموعه ای از حقوق بشر است . پناهندگان بطور خاص افرادی هستند که می توانند از حمایتهای مقرر در این نهاد برخوردار شوند . کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد^۲ ، زیر مجموعه ای از مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که سند مؤسس آن در ۱۴ دسامبر ۱۹۵۰ در قالب اساسنامه متبلور گشت . سازمانی که در ۱۹۵۱ تنها چهار صد هزار پناهنده را پوشش داده بود، در سال ۲۰۰۴ حدود ۱۷/۱ میلیون پناهنده را حمایت کرد ؛ سازمانی که کارکنان آن در ۱۹۵۱ تنها ۳۳ نفر در یک دفتر بود، در سال ۲۰۰۴ شش هزار کارمند و دارای ۲۵۲ دفتر در ۱۱۶ کشور جهان بوده است . از جمله علل تشکیل این نهاد را می توان حمایت از پناهندگان و پیدا نمودن راه حلهایی برای مشکلات آنان دانست مانند بازگشت داوطلبانه ، ادغام محلی و اسکان مجدد . این حمایت در چند قالب صورت می گیرد : کمکهای حقوقی ؛ که عمدتاً در کشورهای اروپایی است ، کمکهای جنسی ؛ که بیشتر آنها در اردوگاههای موجود در آفریقا و کمکهای فیزیکی ؛ که در مواقع برخوردهای داخلی و کشمکشها صورت می گیرند . *حمایت از پناهنده از نظر UNHCR* به معنای تبعیت از اصل ممنوعیت اعاده - به کشوری که در آن ، امکان تهدید حیات یا آزادی وی وجود دارد - و تضمین حقوق بنیادین پناهنده در کشور پناهندگی « شامل حقوق اقتصادی ، اجتماعی و حصول اطمینان از برخورداری حتی المقدور مشابه به اتباع همان کشور » است . در خصوص تعریف پناهندگی نیز باید گفت در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد پناهندگان ، در ماده ۱ پناهنده فردی عنوان شده است که : « به دلیل نژاد ، مذهب ، ملیت ، عضویت در گروه اجتماعی خاص و یا عقیده سیاسی ، ترس موجهی از آزار دارد ، خارج از کشور خود به سر می

^۱ - خانم هله انکرسون ، مدیر امور حمایتی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد

^۲ - UNHCR= United nations High Commissioner for Refugee

برد و به علت ترس از آزار قادر یا مایل به برخورداری از حمایت آن کشور و یا بازگشت به آن نیست «
افرادی که در چتر حمایتی کمیساریا قرار می گیرند عبارتند از : پناهندگان^۱ - (با توجه به تعریف فوق) ،
بازگشت کنندگان ،^۲ برخی آوارگان داخلی^۳ و افراد بدون تابعیت .البته باید دانست که مهاجران، که
عمدتاً به دلایل اقتصادی ترک مکان می نمایند، شامل عنوان پناهندگی نمی باشند بلکه سازمان بین
المللی مهاجرت سازمان ملل درخصوص حمایت از حقوق مهاجرین گام بر می دارد.

کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان همکاریهای تنگاتنگ و نزدیکی با سایر
آژانسهای تخصصی ملل متحد مانند یونیسف ، برنامه جهانی غذا ، دولتها ، مؤسسات غیردولتی ؛
آژانسهای بین الدولی مانند سازمان صلیب سرخ جهانی ؛ آژانسهای عمرانی؛ نیروهای نظامی و رسانه
های ارتباط جمعی ، دارد .

¹ - Refugees

² - Returnees

³ - Some Internally Displaced Person “ IDP”

جمع بندی

خطیر بودن امر روزنامه نگاری و لزوم اطلاع رسانی عمومی ، امروزه بر همگان پوشیده نیست . درگام نخست ، باید خبرنگارانی متخصص وجودداشته باشند که به موضوعات حقوق بشردوستانه ، اشراف کامل داشته باشند . این آگاهی ، توأم با حضور آزاد و فعال آنان در عرصه نبرد ، خودعاملی در جهت تضمین حسن اجرای مقررات حقوق بشردوستانه است و حتی باعث می شود از نقض اصول و مقررات آن از طریق مجازات نمودن مرتکبین جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت ، جلوگیری شود . در قدم بعدی بایستی از آنان حمایت به عمل آید ، که این خود به معنای مصونیت و تضمین امنیت شغلی توأم با اخلاق حرفه ای است .

بطور کلی هدف حقوق بشردوستانه ، تعدیل آثار جنگ ، کاستن از خشونت آن و حفظ کرامت انسانی است که اگر بتوان میان این هدف با روزنامه نگاری رابطه منطقی و نوعی تعادل برقرار نمود ، باعث می شود که اجرای حقوق بشردوستانه تسهیل و تسریع گردد و به عقیده همگانی تبدیل شود . هر چندروشهای دیگر ترویج ، مانند برگزاری کلاسهای آموزشی ، سمینارها ، ایجاد کارگاههای پژوهشی ، مطالعه موردی و شبیه سازی رانباید فراموش کرد .

بنظر می رسد همگام با آموزش حقوق بشردوستانه به روزنامه نگاران ، آموزش حقوق بشردوستانه به نیروهای مسلح نیز، از جایگاهی ویژه برخوردار است زیرا این نظامیان هستند که می توانند به اصول مندرج در آن احترام گذارند یا آنرا زیر پا نهند . فلذا این دو گروه نقشی به مراتب برجسته تر از سایر گروهها در این زمینه ایفا می نمایند.

ما می توانیم با یافتن ریشه های فرهنگی و تاریخی حقوق بشردوستانه در کشور خود و دادن یک هویت خودی به حقوق بشردوستانه و با در نظرداشتن سیاستهای دفاعی کشور ، به معاهدات حقوق بشر دوستانه ملحق شویم . هر چند تا کنون اقداماتی دراین خصوص صورت گرفته ولیکن هماهنگی و همکاری بیشتر سازمانهای دولتی و غیر دولتی در این مورد باید وجود داشته باشد .

امید می رود برگزاری این گونه نشستها ، زمینه ساز توسعه ، ترویج و ارتقای حقوق بشردوستانه در کشور و آگاهی اقشار و گروههای مختلف از این دانش حقوقی سودمند باشد .

